

خرج امیرالمؤمنین ائمه العظام - و هو راکب - فمشوا خلفه. فقال له: اصبروا! فان مشى المصلی مع الراكب مستقیة للركب، و مدلة لمنشی

● امیرالمؤمنین (ع) سواره نرد اصحاب خود رفتند، عده‌ای در پی او پیاده به راه افتادند، فرمود: «چاشنی دارید؟» گفتند: نه ای امیرالمؤمنین! بلکه دوست دارید! همواره تو بنامش فرمود: در پی من خود روید که اگر پیاده‌ای همراه سوارهای رود، اسباب نگاهی سواره است و خواری پیاده.

بسمه تعالی
محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای
ولی امر مسلمین ادام الله ظله الشریف علی رؤس المسلمین

سلام علیکم
اختراماً به عرض میرساند محقر مدیریت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان را بسمه‌الله دارم در فعالیتهای مختلف بر حسب شرح وظایف برگزاری و جنگ فرهنگی و هنری شامل: قرآن، تلوین، شعر، سرود، اجرای موسیقی سنتی و... می‌پردازیم. حضرتعالی در یکی از

استفتائات مرقوم فرموده‌اند:
بطور کلی ترویج موسیقی و آلات آن با هدفهای نظام اسلامی منافات دارد. مستثنی است جواباً اعلام فرماید: کلامیک از سواره‌زیر از صدایق ترویج موسیقی است.

۱- اجرای سرود مسه جمعی (کر) با استفاده از سازهای مختلف
۲- اجرای موسیقی سنتی و بصورت تک خوانی و استفاده از سازهای ایرانی
۳- اجرای مولودی خوانی برادران اهل سنت در استانهای شیعه‌نشین

هنوز هزار و یک مسئله دیگر باقی است

همچنان مذاکرات آستان آلبان در ج

الف: ازادج، یک امسر انشائی نیست که در زندگی آدم می‌افتد. هر کسی برای زندگی کردن باید مسیری را طی کند. باید سیری داشته باشد. بدون مسیری به مقصد نمی‌رسد. اصلاً زندگی با ازادج است که معنا می‌یابد. برای همین به نظر من درست نیست که این مرحله از زندگی را با تحلیل‌های ابتدایی، از مفاسد اجتماعی یا بحران‌های روانی و عاطفی پیشهاد بدهیم. ب: ولی با ازادج و فرایگر شدن آن مفاسد اجتماعی کم می‌شود و بحران‌های روانی و عاطفی کاهش پیدا می‌کند. الف: متأسفانه اکثریت پر

هفته نامه فرهنگی، هنری، اجتماعی

- صاحب امتیاز: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
- مدیر مسئول: محمدعلی زم
- زیر نظر شورای نویسندگان
- تلنن و فاکس تحریریه: ۶۵۵۳۳۹ - ۶۵۸۱۹۶
- تلنن سازمان آگهی‌ها: ۳۰۰۳۰۰ - ۴۱۰۰۰۰
- ناگس سازمان آگهی‌ها: ۲۰۰۳۹۰۵۰
- تیراژ: ۵۳ (پنججاه و سه هزار) نسخه
- لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه انتشارات سوره

اما به صرف اینکه هر کس رشوه می‌گیرد عیالوار است که نمی‌شود عیالواری را انگیزه رشوه دانست. دقیقاً همینطور است که شما می‌گویید. اما خواهد شد در مورد محرمانه‌ها یا خرابی‌ها صحبت کنید. این صراحت را ندراید. همچنانکه ازادج صرفاً انگیزه انگیز نیست، مجرد بودن هم نمی‌تواند انگیزه گناه باشد. بلکه شرایط پیرای به گناه آلوده شدن مهارت است. اما دوست عزیز،

جدول کلمات متضاد

عسل ۱۲ - حیوان آفرینی ۱۲ - ماه شنب اول ماه قمری - چست و چالان - همه را شامل می‌شود ۱۳ - چهاربیک - از تاج آتش - از غلابم - جمع - جدا شده ۱۴ - عادلانه - قائلون مشغولی - فاصله اش تا اینجا کم است - هر چیزی دور ریختنی ۱۵ - نویسنده «باغ وحش شیشه‌ای» - مایر اختراعات قرن بیستم.

عنوانی:

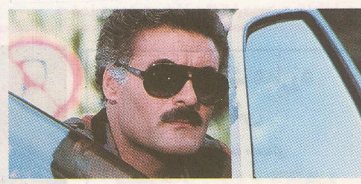
- ۱- نزدیک و نزدیکتر به شما
- ۲- در دستکار و طرف اعتماد
- ۳- نیرومند - غلاف شمشیر
- ۴- شاعر مشهور فرانسه در قرن هفدهم و صاحب آثار باارزش، مهربان، ایمنی زنی - چهره و رخسار - آدمی - قدیمی ترین ساعت جهان ۴ - چه زمانی؟
- ۵- دیگر در زیبایی مثال نیست - حسانه ماندگار «گلگمش» یافته‌ای از ویرانه‌های آن بود - راه هوشیون عزیز آذربایجانی ۵ - چین و شکن - زده خورد ۶ - آکنده و آبتاشته - یک حرف و سه حرف
- ۶- کوتاه ترین ماه بگانه - ایزار و افزار ۷ - سرگشته و گمراه - ساز پرسیاز - راه بین دو کوه ۸ - نان و آرد فرزین - برنج نامدار - آوازش به گوش می‌رسد ولی اثری از خواننده اش نیست ۹ - جنگ به نام معنی انگلیسی - حسام و حسراز - پرورش دادن ۱۰ - کمتر کسی آرا با نام ایرانی (نخود چیچی) می‌شناسد - افزایش درجه حرارت بدن - دور از مرحله - موهایی گردن اسب ۱۱ - سردار ایرانی معاصر «کراسوس» - تقاله

عنوانی:

- ۱- نویسنده سفرنامه «عجایب» - یک سحله اش می‌تواند خانه‌ساز باشد ۳ - مرغ انسانه‌ای - از سبزی‌های خورشیدی - از اعضای بدن در شیرینی فروشی ۳ - با ناز و تکبر راه رفتن - مشهورترین دایره المعارف فرانسه - شیکرد ۲ - دونا که شد یکی می‌شود - از حیوانات - یکی از ایام در سرزمین‌های عربی - از حروف ندا ۵ - خمسیه دیوار به دیوار
- ۶- سرزمین لیمو ۶ - بوستین ازادج ۱۰ - کمتر کسی آرا با نام ایرانی (نخود چیچی) می‌شناسد - افزایش درجه حرارت بدن - دور از مرحله - موهایی گردن اسب ۱۱ - سردار ایرانی معاصر «کراسوس» - تقاله
- ۸ - صواب ۸ - آسیاب خانگی -

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹
۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲
۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵
۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶

هفته نامه فرهنگی، هنری، اجتماعی



شماره سوم، سه شنبه بیست و سوم اردیبهشت ماه ۱۳۷۶ - ۲۰ تومن

خمیه ماه محرم زده شد در دل ما



من نگرانم / گفت و گو با جهانیش سلطانی

● نگاه می‌کنم و می‌بینم که تلویزیون از همه چیز حرف می‌زند، جز از فرهنگ و هنر.

فرهنگ يك امر زیربنایی است

● البته مهمتر از اینکه چه کسی رئیس جمهور می‌شود، این است که رئیس جمهور آینده چه خواهد کرد و با آمدن او چه اتفاقاتی در عرصه سیاست و فرهنگ به وقوع خواهد پیوست.

برای رئیس جمهور آینده

● يك انتظار عمومی از مدیران بلندپایه جامعه، حاکم کردن قانون است. هیچ چیز بدتر از حیرت و سردرگمی در برابر چندگانگی تعبیرها و عمل‌ها در يك زمینه واحد نیست.

يك فیلم سینمایی چگونه باید نمایش داده شود؟

● در این شرایط، با چه روشی باید به تولید فیلم پرداخت؟ مجموعه شرایط اکران موجب دلسردی و بی‌تفاوتی دست‌اندرکاران سینمای ایران نخواهد شد؟

آیا هر فیلمی که مطابق ضوابط موجود ساخته شود، يك فیلم دینی است؟

● **جمال شورجه: اتفاقاً یکی از مشکلات سینمای ما این است که ضوابط و باید‌ها و نباید‌هایش کاملاً منطبق بر باید‌ها و نباید‌های دینمان نیست.**

قلم اندازی درباره سینمای وطنی

● سینما آموگار تشکر بفرموده است و همچنان که بارها گفته‌ام، این پرده بر تمام وجوه فرهنگ غلبه‌ای تمام پیدا کرده و نثر و گسترش تکنولوژی و تمدن جدید در عهده‌دار شده است.

آیا عصر بند از مسیحیت آغاز شده است؟

● چرب زبانی ۱۲ - عجلی انگلیسی

مصرف تولیدات داخلی = افزایش کیفیت + کاهش هزینه + تقویت قدرت ملی

شرکت دخایات ایران

ملازمین نگاه جم امیری
پدیده‌ای نو در صنعت ملازمین
پلاستورقم امیری
تولیدکننده انواع فوم بسته بندی
ظروف و قطعات صنعتی و عایق کلن
تلفن همراه: ۹۸۰۳ - ۹۱۱۲۱۶
تلفاکس: ۶۶۳۲۲۲ - کارخانه: ۲۸۱۰ - ۲۳۶۶

همراه با کتاب، کتاب فیلم و مجموعه‌ای زیبا در کنار کتابخانه شما، با نوارهای ویدیویی شیمیا

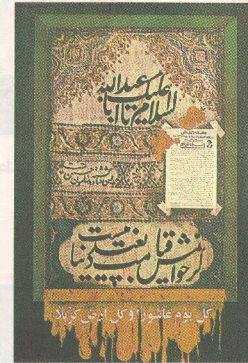
آیا می‌دانید نوارهای ویدیویی شیمیا زبانهای مختلف را در اختیار شما قرار می‌دهد. ۱۰، ۱۵، ۳۰، ۴۵، ۶۰، ۹۰، ۱۲۰، ۱۸۰ دقیقه‌ای. انتخاب با شماست.

● پوشش کروم دیوم آکسید
● سیستم بک کویک ادولپا

روابط عمومی، تلفن: ۶۶۱۳۸۴-۶۶۱۳۸۴-۶۶۱۳۸۷



السلام عليك يا ابا عبدالله،
و علی الارواح التي حلت بفنائکم...



گفته اند که نماز عشق دو رکعت است، و هوی آن ساخته نمی شود مگر به خون. حدیث کریمه
حدیث عشق است و حکایت معشوق عاشق کسی که همه راههای عالم را به پهای خون گرمی که در خلف
کریمه ریخته شد بر شقاق خویش آشکار نمود. عاشورا، حکایت پرده داری است که به شمشیر می زده
را تا اسرار مگو با سوزان گان راه عشق بگوید. آنچه در کریمه و در ظهور روز نهم سال شصت و یک هجری
واقع شد، واقعه ای است که هر روز تکرار می شود تا عشاق حقیقی از اهل انعام تیززاده شوند. عاشورا
بزرگ ترین ابتلاء آدمی است. هر روز و هر ساعت عاشورا تکرار می شود تا جوهر مردان خدا آشکار
گردد، روسایان عالم همانها هستند که شمشیر بر سیدالشهدا کشیدند. و تنها همانها هستند که
مهرامی کردند دشمنان امام را. من و تو نیز اگر آنکه که حدیث عاشورا تکرار می شود در بیله عقابیت
به فریاد شدن تن بیندیشیم، در خیل روسایان عالم خواهیم بود. اللهم ارزقنا شفاعتة العسین يوم
الورود.

فرهنگ يك امر زيربنایي است

تأکیدات صریح مقام معظم رهبری نسبت به
مفوله فرهنگ و هنر شرایطی را فراهم آورد که
مناسب با وضعیت انقلاب اسلامی در جهان
امروز باشد.

آینده خواهد کرد و با آمدن او چه اتفاقاتی
در عرصه سیاست و فرهنگ به وقوع خواهد
پیوست. برای ما که می خواهیم به همه امور از
منظر فرهنگ و هنر نگاه کنیم، مهم این است
که رئیس جمهور چه نگاهی به فرهنگ دارد و
برای هنر چه مرتبه ای قائل است. البته نه از
این جهت که ما مدعی فرهنگ و هنرمند و ...
بلکه معتقدیم - چنانکه رهبر فرزانه انقلاب
حضرت آیت الله خامنه ای نیز فرموده اند -
فرهنگ و هنر یک امر زیربنایی است و دیگر
امور سنگین نام و تمام به آن دارند. مناسبانه ما
همیشه فرهنگ و هنر را یک امر ثانوی، هزینه بر
و غیر قابل سرمایه گذاری دانسته ایم. اما امروز
دیگر برپیمان روشن است که حتی استقلال
اقتصادی ما نیز بسته به استقلال فرهنگی
ماست. تا فرهنگ، شأن و مرتبه اصلی خود را
ننوائیم به لحاظ فرهنگی وقایع را آنگونه که
هست تبیین کنیم، هیچگاه حرکتی سیاسی به
اهداف واقعی خود نخواهند رسید. مناسبانه
دستگاه تبلیغاتی غرب چیزی حدود سه سال
درباره ماجرای میکوتسون کار کرده و مسئله را
برای اذهان عمومی جهان روشن کرده اند و در
این چند سال تقریباً ما همه فرصتها را از دست
دادیم. به هر حال نهایه ای مثل وزارت ارشاد و
صدا و سیما ... با یک برنامه یزیدی درست و
زمان بندی شده می توانستند به طور غیرمستقیم
فعالیتهای فرهنگی را در خارج و داخل کشور
سازماندهی کنند تا صدور چنین حکم ویحیی
برای افکار عمومی امری ساده و معمولی تلقی
نشود.

مهمترین بحث امروز، بحث ریاست
جمهوری است. تقریباً برای همه مهم است که
چند کسی رئیس جمهور می شود و یا چه
نروایی مسئولیت اجرایی کشور را به عهده
می گیرد. حتی آنها هم که همه چیز را از پیش
مخپبین شده می دانند و همه امور را به
توطئه های شیطان انگلیسی و آلمان نسبت
می دهند، از شرکت در بحث ریاست جمهوری
عقلی نیستند. البته بعضی اوقات این مباحث

**در واقع این اولین انتخاب
ریاست جمهوری در ایران است که
رئیس آن را دقیقاً نمی توان
جدی زد و نمی توان وضعیت
آینده را دقیقاً پیش بینی کرد.**

مثل بحثهای واغ داخل تا کسی هاست و بعضی
سوانح در حد یک بحث کاملاً تخصصی و
سیاسی، جدی است. گروههایی هم که علاقه
دارند پیش بینی شان درست دربیاید و یا زودتر
نتیجه را بدانند، مست به نظرسنجی های میدانی
از یک رقیب سخت و سرنویست ساز دارد. در
واقع این اولین انتخاب ریاست جمهوری در
ایران است که برنده آن را دقیقاً نمی توان حدس
زد و نمی توان وضعیت آینده را دقیقاً پیش بینی
کرد. البته مهمتر از اینست که چه کسی
رئیس جمهور شود، این است که رئیس جمهور

توجه به يك مبارزه فرهنگی

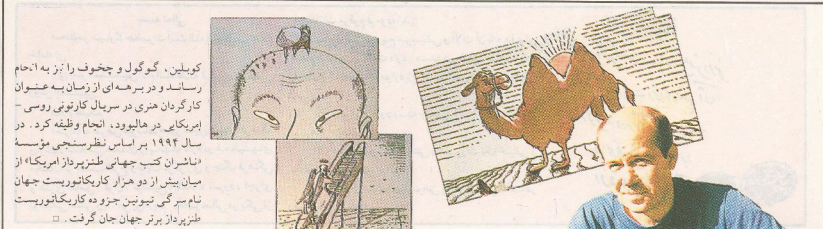
حضرت آیت الله خامنه ای



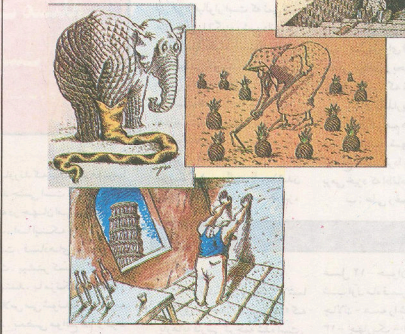
گاهی اوقات یک حرفی چون تکراری می شود و
مورد توجه عمیق قرار نمی گیرد و کاری نسبت به آن
انجام نمی گیرد و یا یک برخورد سطحی از آن عبور
می شود، مثل می شود و انسان احساس می کند که
دیگر تکرار شایسته واقعاً ملال آور است. لذا اینطور تصور
می شود که ما این تمیز تهاجم فرهنگی را دیگر نباید
تکرار کنیم و حال اینکه به نظر من این قضیه از قضاها
نیست و به آسانی نمی شود از این قضیه گذشت.
بنده با اینکه وقت کمی دارم، همین که مجلات را
غالباً یک ورقی می رزم، یا کتابهای منتشر شده،
بخصوص کتابهای ادبی و فرهنگی و مقالات خوبی را
که نوشته می شود نگاه می کنم، می بینم کمتر متوجه
این مبارزه فرهنگی است. در حالی که جبهه ای وجود
دارد که به شکل منظم و سازمان یافته دارد به ما حمله
می کند، و اگرچه این طرف، کار زیادی انجام
می گیرد، اما یک حرکت متشکل و نظم یافته ای برای
دفاع وجود ندارد و لذا انسان احساس خطر می کند. به
هر حال انتظار هست که به این قضاها واقعاً به طور جدی
رسیدگی بشود. امروز دشمن جبهه وسیعی را با
استفاده از ابزارهای مؤثر، خطرناک و کارآمد و تیز با
بهره گرفتن از علم و تکنولوژی تشکیل داده است تا
جمهوری اسلامی را هدف یک یورش همه جانبه
فرهنگی قرار دهد. مقابله با این تهاجم بسیار خطرناک و
ویرانگر، نیازمند هوشیاری و استفاده از ابزار و
روشهای مشابه دشمن و یا شیوه های جایگزین آن
است.



روز وحشت
ترجمه: محمدحسن
مقیسه / چاپ اول: ۱۳۷۵ /
تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه / مؤسسه
انتشارات سوره
مجموعه عطايات گروهی
از نظامیان عراقی است که دربراه
تجارز و غارت بمبیاان و جنگ
تحمیلی بیان شده است.



کاریکاتورست سرگی تیونین (Sergei Tyunin)



نخستین کاریکاتورهای سرگی تیونین،
زمانی چاپ شد که او هنوز دانشجوی
مؤسسه مسخوجات مسکو بود و در
نورسنتین
سالهای پس از آن، سرگی تیونین خرمی از
کاریکاتورهای او و مسابقات
جایزه و پادشاه را در جشنواره های معتبر اروپا
دره کرد. از جمله جایزه های معتبر اروپا
طلائی، «نخل طلائی»، «مست انکراس
اروا» و «سایتراپلیتیکا» که به خاطر کلیت
طنزهای آثار این شرمند به وی اهدا شد.
تیونین از آن بر آثار چاپ شده در نشریات،
به عنوان تصویرگر کتاب، آثار زیادی را

ترجمه: محمدحسن
مقیسه / چاپ اول: ۱۳۷۵ /
تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه / مؤسسه
انتشارات سوره
مجموعه عطايات گروهی
از نظامیان عراقی است که دربراه
تجارز و غارت بمبیاان و جنگ
تحمیلی بیان شده است.

آسایش و اطمینان در مجموعه سینماهای مجتمع خدمات سینمایی حوزه هنری با بیمه ایران



گروه تبلیغات بهمین
تهران - خیابان ولیعصر، نبش سینما استقلال، کوچه فرسید، پلاک ۲
تلفن: ۸۹۷۰۲۵ - ۸۹۳۹۳۲ - ۸۹۸۰۷۹ فاکس:

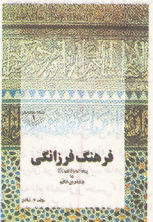


شرکت سیم و کابل تبریز (سیمکات)
Tabriz Wire & Cable Co. (SIMCAT)
۱۳۷۱، واحد پروانه تحقیق و توسعه و بازار صنایع
۱۳۷۲، واحد تولیدی انتخاب از موسسه استاندارد / واحد نمونه استان
۱۳۷۳، خدمات لوح زمین از موسسه استاندارد / واحد منتخب استان
۱۳۷۴، واحد گواهی نامه صلاحیت آزمایشگاهی از موسسه استاندارد
تلفن: ۸۷۳۳۱۱۱ - ۸۷۳۳۱۱۲
فکس: ۸۷۳۳۱۱۱
و ۱۳۷۵ اولین گواهی نامه ISO9002 کردید
تلفن: ۸۷۳۳۱۱۱ - ۸۷۳۳۱۱۲
فکس: ۸۷۳۳۱۱۱



بازی روی خط متوجه
● بازی روی خط متوجه
چشم‌پند خاتینا / چاپ
اول: ۱۳۷۵ / تیراز: ۳۳۰۰
نسخه / مؤسسه انتشارات
سوره.

مجموعه ای از چهار داستان کوتاه با نام‌های: بازی روی خط متوجه، پس یوسف و منی کجاست؟، انطباق و حاشیه ای بری ناقه گوش شکافته، که به همت دفتر ادبیات انقلاب اسلامی منتشر شده است.



فرهنگ فرزاتنی
م. ناصر / چاپ اول:
۱۳۷۵ / تیراز: ۳۰۰۰ نسخه / انتشارات دارالحدیث

این کتاب برگزیده ای از پندها و حکمت‌های ژرف امام کاظم (ع) است که به یار صاحب‌دال و صحابی رازدار خویش، هشام بن حکم به ویرت داده اند.

بگذارید در تاریخ سنگ شده قدم بزنند

● سرگزی هرنیوف □ عکاس: پوریس پاسنوف ● مترجم: عبدالمنجید اسکندری

بسیست هکتار زمین در ساحل «سکوا»، که چندان از پارک گورگی دور نیست و در دلیرس کلک ساختمانی وسیع کلیسای جامع «ناچی ما سبج» قرار دارد و به دستور دولت به موزه و آگاد شده، پارک هنرهای بازی و یکی از معدود نمایشگاه‌های فضایی بازی جهان و مطمئناً تنها نمایشگاه در روسیه است. بالاخره، مجموعه سازان مسکو مکتبی را در اختیار خواهند داشت که بتوانند بر آن آثارشان را در معرض دید عموم بگذارند. تابستان گذشته، زمینها به مجسمه سازان علاقه مند به کار چوب تحول داده شد و آنها مدت یک ماه تمام، در فضای بازی شادی انبوه بازی‌کنندگان



و اکنون به عنوان «اف. اس. ب.» مشهور است. تندیس او در وسط میدانی به نام او و در جلوسا ساختمان «ا.ا. گ. ب.» نصب شده بود تا حسن او، گ. ب. که در آن مجموعه سازان سنگ کار، کارهای کاملی به مجموعه معماری میدان بدهد. در اوت ۱۹۹۱، پس از کودتایی ناموفق، انبوه مشتاق جمعیت دمکراتیک، مجسمه را



مادتی به آن رضایت داد. اما این اشتیاق چندان طول نکشید و مدتی بعد، وضعیت عوض شد و ایده اصلی این شد که آثار هنری طالب می‌بایست برای اسلحه‌های آینده حفظ شود. از این رو، دو صنعت هنری گسترده، تحت حکومت شوروی موجود بود: یعنی آثار لنینیستی و استالینی. آثار استالین در اواسط سالهای ۱۹۵۰، پس از مرگ استالین متوقف شد و هیچ اثر ویژه‌ای به جا نگذاشت؛ یعنی استالین زدایی سیاسی وجود نداشت، اما موسیقی، نقاشی و مجسمه سازی از نظر سبکی، سبکی که فقط برای رژیم ظلم سابق ارزش داشت، استالینی زدایی شد. و بهر تمام زماها و ملانها به سادگی به عنوان یک شیء

این موزه با بودجه دولتی بنا شده و بنا براین، طبیعتاً فقیر است و هنوز قاطعانه هرگونه پیشینه‌هایی را از سوی روسها یا آنها را در اسلاک خود نگاه دارند، رد می‌کند. وی می‌افزاید: «بگذارید اینها در این پارک قدم بزنند، در تاریخ سنگ شده پره بزنند و در مورد زودگذر بودن شکوه و قدرت تفکر کنند.»

هنری دود شد. اما آثار لنینیستی، مدت بیشتری عمر کرده و به عبارتی تا فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ به حیات ادامه دادند. لنین بیشتر کارهای گیجی و بنی سفیدکاری شده از افزایش ناد و با در نظر گرفتن اینکه دوره لنینی، بیش از نیم قرن طول کشید، چندین کار حرفه‌ای

برای رییس جمهور آینده

آزار، تعیین مرجعی سلسله‌وار برای نظم هنرمندان آرزومند، کمک‌های مالی جهت رفع دغدغه‌های اقتصادی هنرمندان، حمایت‌های اقتصادی از کالای هنری مانند معارف‌های مالیاتی و شیبه یا هنر باشد. انتظار پیام‌های صریح و صراحتاً تبلیغاتی که سوابق هنر، کار را به آن جا می‌کشاند که اوله اهل این حرفه ترجیح بدهند مهم به زراتوری شوند تا عامل تهاجم فرهنگی و جاسوس و کافر و معاند، عده ای هم که طبیعتاً منزوی خواهند شد را از ریبابی و جذابیت و جاودانگی هنر، در همین تفسیر پذیری آن است و ایجاد ادوات امکان کشف و تغییر؛ هر کس بر اساس ذهن و ذنای خودش، انتظام از رئیس جمهور آینده، فقط همین است □

● **شوهر لریستانی (بازنگر)**
از آنجا که هنر به خصوص هنرهای نمایشی، تأثیر به سزایی در ایجاد امید در مردم دارد هنرندان به عنوان عاملین ایجاد اثر هنری برای مسکلاتی در زمینه‌های مختلف کاری هستند، شایسته است که رئیس جمهور آینده با محبت بیشتری به آنها نظر کند □

The EXCELSIOR Hotel
کامپلکس هتل اکسلسیور
تلفن: ۰۲۱-۵۶۰۰۳۳۰
فکس: ۰۲۱-۵۶۰۰۳۳۴

● **هوشنگ گلکندی (سرمدیار ماهنامه فیلم)**
تصور می‌کنم که یک انتظار عمومی از مدیران بلندپایه جامعه، حاکم کردن قانون در برابر چندگانگی مدیرها و عمل‌ها در یک زمینه واحد قرار نیست. مردم باید بدانند که تکلیف همه از قانون تعیین می‌شود، نه سلیقه‌هایی که ممکن است قانون را هم قبول نداشته باشند. بنابراین، قاضیانی مهم ترین انتظار از رئیس جمهور آینده، حاکم کردن قانون است.

● **سید ابراهیم نبوی (نویسنده و مترجم)**
۱- همزمان با تثبیت موقعیت سیاسی ایران در جهان و اجرایی‌شدن سیاست و برقراری رابطه با غرب، با تهاجم فرهنگی غرب مبارزه کند.
۲- ترویج تهران را تا پایان دوره افتتاح کند و اگر نندقیه با کار را به رئیس جمهور بدی و آگاد کند.

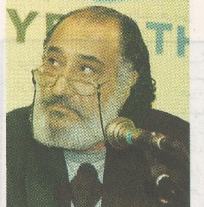
جایزه صد هزار هارگی

فکرند. شایسته‌ام که استاد کمپانی برای اجرا در جشنواره موسیقی اسامی نخواهد آمد. هنوز هم وضعیت موسیقی در تهران پلاکتلیف است. موسیقی در شهرستانها تسلط و یا نیمه تسلط است و بهترین استادها، مفری برای آموزش و اجرا به نمی‌کنند. هنوز هم موسیقیدانان، صاحب دفتر و سنیبکا و مجله و... نیستند و هر کسی را هوسی در سر و کاری در پیش. توقع ما این است که هنر آنها نگذارند و سرسین بیخودی هم به بعضی شاخه‌های آن ندهند. فقط شرایط رشد آفرانه آن را مهیا کنند و هزینه زودتر تکلیف موسیقی از بیدگاه فقهی و قانونی، رسماً روشن شود و به اطلاع همه برسد

● **داریوش ارجوند (بازنگر)**
من اصولاً آدم بی توقعی هستم □

دارا و دسار؛ ابزار مقابله با تهاجم فرهنگی شدن!

در عروسک ایرانی دارا و سارا بزودی در دسترس کودکان قرار خواهد گرفت. مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با اعلام این خبر، افزوده است که در نخستین مرحله عرضه این عروسکها، پانزده هزار عروسک سارا و پنج هزار عروسک دارا به فروش می‌رسد. بر پایه گزارش‌های دریا فستی، قرار است این عروسکها به تدریج با لیاپسای محلی اقوام گوناگون ایرانی ظاهر شوند و بدین ترتیب با تأکید بر نشانه‌های فرهنگی ایران به مقابله با داموزی عروسکهای غربی بروند. در تقویت این حرکت، گروه کوکوشیکا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مست‌اندر کار ساخت لیاپسای از این دو عروسک شده است. □



● **کلیف چلیپا (نقاش)**
وفاداری به آرمانهای انقلاب و ایجاد فضای کار برای هر کسی که می‌خواهد در جهت رشد فرهنگی سلطنت خدمت بکند، در تقویت این یعنی فضای کار کردن را ایجاد کند و توجه و دقت به مسئله آموزش و پرورش که وضعیتی استفاکی دارد؛ حملمان از نظر اقتصادی و دانش‌آموزان از نظر امکانات آموزشی در وضعیت مطلوبی بسر نمی‌برند.

TEHRAN SIMINFAR
ماشین آلات پیشرفته توام با تخصص و تجربه ما
پشتوانه ای مطمئن جهت تأمین نیاز شما در زمینه انواع سیم و کابل می باشد
تلفن‌ها:
۶۴۶۰۹۹۳ - ۶۴۱۲۴۳۶ - ۶۴۹۹۳۱۶۹
۶۴۶۰۹۹۴ - ۶۴۶۹۹۵۰ - ۶۴۶۰۹۹۵
۶۴۶۹۹۴۷ - ۶۴۹۳۱۷۰ - ۶۴۹۷۸۲۶
۳۰۰۰۴۱ - ۳۰۰۰۴۲ - ۳۰۰۰۴۳



اقتدار فرهنگی

معمولی ۴

قصه و رمان در جهان چند سده اخیر، بستر گسترده عرضه و نیابت تئوریا و انباشه های روان شناسانه، جامعه شناسانه و فلسفه های فکری، دینی، سیاسی و انسانی بوده است.

فریبها که در عرصه ادبیات داستانی پیشتر بوده، از ادبیات خلاق به عنوان عامل پیوندنده افکار و عقاید اجتماعی و فرهنگی شری، بهره جسته و آن را محمل اصلی توجه و پیدایش قهرمانان سیاسی و اجتماعی و اسطوره های تاریخی قلمساز کرده اند. در پی

شخصیت دادن به قصه و رمان به عنوان یک رشته مستقل، خلاق و زاینده هنری در غرب، دوران شکوه ششستر و نهمینامه نویسی و پس از آن، پیدایش و اقتدار سینما و سریالهای تلویزیونی فرارسید.

اسلامی، گرچه جهت ادبیات داستانی تا حدود اندکی، تغییر یافت، لیکن تصرف کامل ساحت آن، نیارزیدند شرایط، دگرگونی و تحولاتی است که می باید در کتب درسی و آموزشی و در رشته های دانشگاهی به گونه ای، نظام مند، ایجاد شود تا بتواند محمل و بستر تفکر، اندیشه، اخلاق و اسطوره ها و مضامین منوی مشرق زمین و هنر، دفاات ادبیات آیینی، انقلاب اسلامی و هنر و مقاومت حوزه هنری جهت این مهم، اقداماتی در دستور کار دارند که ان شاءالله در سالهای آینده، جامعه فرهنگی شاهد دست آوردهای آن خواهد بود. □

جوابیه جمعی از دانشجویان در پی درج یلک خیر

حجت تحریری نشریه مهر اخیر ما پیرو درج خبری تحت عنوان یلک خیر فرهنگی از دانشگاه مستقیم در پیش شماره سوم آن نشریه مطالب ریسر به استحضار می رسد:

انتشار این خبر که بصورتی مغرضانه تنظیم شده بود، در نشریه ای که متعلق به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی بوده و توسط نیروهای حزب الهی اداره می شود، آنگاه اسم برده شده و نژاده است. مصافق بر اینکه اشتیاق با دانشگاه امیر کبیر مطلقند، کمیته امر به معروف و نهی از منکر که خبر نگار مذکور مدعی سراجحه آنان به کانون فیلم شده اصولاً پیش از یکسال است که در این دانشگاه وجود خارجی ندارد. و اصل خبر آنکه کانون خلدوه دادن مسأله کانون فیلم دانشگاه امیر کبیر در نظر داشته و بدین واسطه در پی تطهیر مسئولین این واحد از تخلفات سنگین خویش و رابطه دادن این ماجرا با جریسناست روشنفکری سینمایی ایران و احتمالاً دادن جان جو احتیاج حاکم بر فضای فرهنگی

دانشگاه می باشد، اصولاً چه رابطه ای می تواند با اهداف حوزه هنر که خویش را از گره مستمدرین و باصلاحیت ترین نمایندگان فرهنگ کشور، بلکه از جمله آنها می داند، برقرار کند؟ سوآلی است که بر ما نیز پوشیده است.

خبر نگار نشریه مهر حتی زحمت کوچکترین تحقیقی در رابطه با این موضوع و مراجعه به مدیر کل فرهنگی و لوق برنامه دانشگاه، بسیج دانشجویی، کمیته انضباطی و حراست دانشگاه که در خبر از آن اسم برده شده و نژاده است، مصافق بر اینکه اشتیاق با دانشگاه امیر کبیر مطلقند، کمیته امر به معروف و نهی از منکر که خبر نگار مذکور مدعی سراجحه آنان به کانون فیلم شده اصولاً پیش از یکسال است که در این دانشگاه وجود خارجی ندارد. و اصل خبر آنکه کانون خلدوه دادن مسأله کانون فیلم دانشگاه امیر کبیر در نظر داشته و بدین واسطه در پی تطهیر مسئولین این واحد از تخلفات سنگین خویش و رابطه دادن این ماجرا با جریسناست روشنفکری سینمایی ایران و احتمالاً دادن جان جو احتیاج حاکم بر فضای فرهنگی

جایزه نوبل برای پدر بلو



امسال جایزه صلح نوبل به گرهت - کارلوس بلسو از کشیشان فعال جزیره اوست تیمورو، است. جمعیت این جزیره، نزدیک به ۸۵۰ هزار نفر است. هنگامی که پرتغالها در بیست و یک سال پیش، این جزیره را ترک گفتند، نیروهای دولتی اندونزی اقدام به تصرف آن کردند. ۸۵٪ ساکنان این جزیره، جزو پیروان مذهب کاتولیک هستند. این رقم در سال ۱۹۸۵، بالغ بر ۳۰٪ (۱/۳) بوده است. کلیسای کاتولیک جزیره اوست تیمور در زمینه بسیج مردم و افزایش آگاهی توده ها، نقش بزرگی را ایفا می کند، و انجیکان و شخص حاضر هم در صفت و هم در کارزار از کشیشان کارولس بلو و کلیسای کاتولیک اوست تیمور تشاد نامه اند. در حال حاضر، این کشیشان جوان، خاری در چشم و هجران کشور تاجیکستان یا چین، آشکارا سکوت کرده و سکوت خود را معلول خودداری از دخالت امور داخلی کشورهای همزبور عنوان کرده است. □

خاستگاههای تئاتر آوانگار

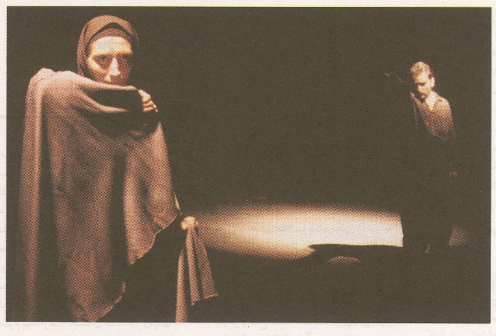
■ مارگارت گرایبان
● هوشنگ آزادی ور
(بخش نخست)

یادداشت مترجم

دو جنگ بزرگ جهانی، گذشته از تغییرات، تحولات و خساراتی که بار آورد، افکار و احساسات اکثریت هنرمندان و روشنفکران غربی را بلندت تکان داد. غرب که خود را سالار جهان می شناسخت و سیطره نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود را بر سراسر جهان گسترده بود و دستاوردهای عقلی، علمی و عملی خود را همچون آیه ای بر جهان فرود آورده بود، تا نگاه در چنان متلاطمی فرو افتاد که در آن میلیونها نفر کشته، شهرهای بزرگ جهان ویران و سراسر اروپا و آمریکا در فقر و بدبینی و دشمن خویی غرق شد.

این زنگ خطر، پیش از آنکه در گوش هنرمندان و جوانان صدا کرد و پس از فروتنی تب جنگ و التیام زخمها، آثار خود را در دهه ۱۹۵۰ - ۱۹۶۰ به تمامی افعالی در روی صحنهها پخشیند و نمایش را نامشاک کنند. آنها معتقد بودند که باید با شرکت فعال و گفت و گو همه مردم و دربارۀ مسائل واقعی همه نمایش داد.

آن دهه را می توان دهه تجدیدنظر نسبت به همه دستاوردهای زیبایی شناسی و فکری غرب، پیوسته از جانب جوانان و هنرمندان اروپایی کرد؛ جوانانی که علیه سیستمهای هفتۀ نامۀ «مهر» تقدیم می شود، تا هنرمندان جوان، پیوسته اهل تئاتر ایران را با تئاتر نوین جهان به شیوه ای اصولی آشنا کند.



نمایش، که هنری ترکیبی است، این حرکتها را پیش از اشکال دیگر هنری، منعکس کرد و نمایشگران جوان، کوشیدند تئاتری بنا کنند که از هر لحاظ با تئاتر کلاسیک متفاوت باشد. این حرکتها، ابتدا توسط پرست و بکت، قبول عام یافت و در پی انواع گوناگون کانتراهای پیشرو سر بر آورد که تأثیراتش تا زمان ما ادامه داشته است. نسل دهم ۱۹۵۰ - ۱۹۶۰، که با سخنها و کلامهای منظم بسیار گفته شده و بسیار عصر کرده بسیاریان شده بود و با لغتو برنامه ریزی شده و امتیازهای بسیار و تکنولوژی گفشار و نظریه های خود را با اشکالی کاملاً انفرادی به نمایش می گذاشتند، می شوریدند. اما باید دانست که این نهضت های هنری تا حدی ادامه دستاوردهای پیش از خود بودند. آنها نتیجه شرایط اجتماعی و سیاسی پس از جنگ دوم محسوب می شد، اما ایزراه های سیاسی و جهان بینی هایشان در قرن نوزدهم، شکل گرفته بود و هر یک از این گروه ها، تباری داشتند و مملاتی و سخنرانی.

با نژادپرستی، انقلاب جنسی، هنجاری، فرشتگان دوخ، و آزادی زنان به صورت گروه های هنری و محله ها، دکانها، برنامه ریزی شده و امتیازهای بسیار و تکنولوژی گفشار و نظریه های خود را با اشکالی کاملاً انفرادی به نمایش می گذاشتند، می شوریدند. اما باید دانست که این نهضت های هنری تا حدی ادامه دستاوردهای پیش از خود بودند. آنها نتیجه شرایط اجتماعی و سیاسی پس از جنگ دوم محسوب می شد، اما ایزراه های سیاسی و جهان بینی هایشان در قرن نوزدهم، شکل گرفته بود و هر یک از این گروه ها، تباری داشتند و مملاتی و سخنرانی.

با مرگ لرد بایرن در ۱۸۲۴ و پیمان دوران رمانتیک در انگلستان، صحنه ها برای تیربی تازه چیده می شد. شاعران خیال پرداز و آتشین خوبی نسل پیشین، جای بورژواهای ویکتوریایی امی گرفتند و می کوشیدند تا تیربی پلاستاز آنها را از بیخ و بن برکنند. از طرف دیگر، سرسپه داری درنده خو با شمارهای سرکوبی، صرفه جویی، اعاده نظم و قانون از راه رسیده بود و بر آن بود تا پیش از یک سده انگلستان را تحت سیطره خود درآورد. با آن که آموزشهای (لیبرالی) استوارت میل، براونتیگ، هاکسلی، آرنولد، حوز طرفدارانی داشت، محافظه کارن برتنرورها پیروز شدند. اما در زمینه زیبایی شناسی افراطی کار به دست فرانسویها افتاد و نمادگرایی و طبیعت گرایی فرانسوی، همراه با همه جزئیاتی که با رمانتیکی نیز در تضاد بود، غالباً گفته می شود که بولدر همینون مفصلی بوده که سوررئالیسم، نمادگرایی و طبیعت گرایی را در پی خود پیوسته زنده و شیوه تئاتر اش، تأثیر قاطعی

زرد هنرمند، پیش از آن که هنرش را آفتابی کند، لازم است نوعی اصالت پروانده باشد. پد به نظر بولدو رهاظر زیباشانه، اشرافیت روح است: زیرا هنرمند در واقع با زنگاری است در نقش منتقد.

باز نهمین «آوانگاره» (پیشرو) پس از خود داشته است. به گمان بولدو، هنرمند با انتخاب ظاهری متفاوت می کوشد از انگیزه های فریوی فراتر رود و شخصیتی حساب شده و «خود» ویژه برای خود چمبل کند، تا قادر شود با درون بینی انحصاری، جهان اطراف خود را به نقد کند. نزد هنرمند، پیش از آن که هنرش را آفتابی کند، لازم است نوعی اصالت پروانده شده باشد. به نظر بولدو «ظاهر زیباشانه، اشرافیت روح است: زیرا هنرمند در واقع با زنگاری است در نقش منتقد».

بولدر، جل از ارزش شعرها و تیرگی خصوصی اش، پایه های را در زبان شعر بنا نهاد - و بعدها این زبان در تئاتر غرب ظاهر شد - که به نام «تصاویر حسی» (مدعی تیرگی بر نظریه فیلسوف سوئدی، یعنی امونئل سولندریگ، در هنر غرب و پیوسته در تئاتر ماندگار شد.

- 1. Margaret Croymen
- 2. Lunatics, Lovers and poets

يك جشنواره ديگر تدارك ديده شد!

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جشنواره ای دیگر را تدارك دیده است. بر پایه سخنان مهندس مصطفی میرسلیم، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، جشنواره سراسری تیلیات در شورویروما برگزار می شود. بدین ترتیب، مراسم هفته دولت در سال جاری با دو جشنواره تیلیاتی همراه است: جشنواره تلاش مقدس که سال پیش راه اندازی شد و جشنواره سراسری تیلیات.

یازدهمین جشنواره تئاتر دانشجویان کشور

فراخوان یازدهمین جشنواره تئاتر دانشجویان کشور منتشر شد. بر پایه این فراخوان، ستون نمایشی ایرانی که کارگردانی و بازیگری آن را دانشجویان انجام می دهند، پذیرفته می شوند. همه دانشجویان - فارغ از نوع دانشگاه و محل تحصیل - نیمه خرداد ۷۶ می توانند آثار خود را به دبیرخانه تئاتر دانشجویان کشور، واقع در تالار مولوی دانشگاه تهران، بفرستند. جهاد دانشگاهی، این جشنواره را برای آبان ۷۶ تدارك دیده است.

فرم اشتراک

کد اشتراک: _____
 نام: _____ نام خانوادگی: _____
 متولد: _____ میزان تحصیلات: _____
 نشانی (به همراه کد پستی و تلفن): _____

احیای يك سنت پسندیده ولی مطرود!

نگاهی به جلسات نقد و بررسی انجمن منتقدان هنرهای نمایشی

هیچ کس نمی تواند تکرار اهمیت نقد سازنده در رلد و گسترش هر جریان باشد. شاید یکی از بزرگترین ضربه هایی که هنرهای نمایشی در سالهای اخیر شاهد آن بوده، نداشتن جریان مستمر نقد و بررسی اصوبی است. پس از تعطیلی مجله «نمایش» و شروع بحران رکود تئاتر کشور، بیشتر نقادان تئاتری با مسئله تغییر حرفه روبه رو شدند. چراکه از یک سو، کمیودیا نبود نمایشهای قابل دیدن بر روی صحنه، صحنه آنها را با نوعی رکود روبه رو کرده و از سوی دیگر، عدم استقبال خوانندگان منوطات فرهنگی از صفحه تئاتر، سربیزان نثریات را نسبت به این مقوله به گونه ای بدبین کرده بود که کمتر سربیزی میل داشت نسخه تئاتر خود را حفظ کنند. بدینسان این صحنه نیز به حیطه نقادان قرار میسر. تالیوین را با نامسان فرهنگ پایا کرد. منتقدان تئاتر نیز که از هر گونه انگیزه و پشتگیری برای کار نمی شده بودند، بدون جزویست، قلم را به زمین گذاشتند و مشاغلی دیگری برای خود اختیار کردند. آنها که هنوز به حیطه نقد وفادار مانده بودند، جذب عرضه نقد سینما شدند و عده ای دیگر به نوشتن گزارش، مقاله، حوادث و حیطه های دیگر روی آوردند و خلاصه، نتیجه آن شد که رسم نقادان نقد تئاتر، تاریخ از میان برود کسانیکه هنوز نقد تئاتر، منتقدانی این مقرر و فادار ماندند، حتی که بعد از گفتگای یک دست نمی رسیدند؛ وقتی که تئاتر کشور، نگاه کارشاسانه و هدایت کننده منتقدان را از دست داد، مثل این بود که به ترتیبی در ارتباط با مخاطبین الکن مستقل و جدا از کانون ملی منتقدان پیشین تئاتر و تمام مراکز تئاتری، تنها با هدف نقد و بررسی نمایشهای روی صحنه، یا به عرضه تئاتر کشور گذاشتند و کار خود را با نقد تئاتر مویه چم کار قطب الدین صادقی آغاز کردند و تاکنون در هشت جلسه فعالیت داشته اند. آخرین جلسه که مربوط به نقد نمایش بنویان بسود در ۱۵ دی ماه ۷۵ برگزار شد.

جلسات این انجمن از نظر زمانی نظم خاصی را دنبال نکرده و همچنان در اواسط اجرای هر نمایش در محل واحد تئاتر حوزه



دامنگر تئاتر کشور است. این اواخر، کار به جایی رسید که هر کس نقد تئاتر می نوشت، به بی صلاحیتی، بی سواد یا عدم لیاقت در احراز شغلی دیگر منتهم می شد و غالباً نقادان سابقاً تئاتر کشور که اینک میدان جریان پویا در اطلاع رسانی و علم باهله آزا و تفکرات خلاق در عرصه تئاتر، که از پیماندهای غیرقابل انکار نقد و بررسی محسوب می شود، همگی دست به دست هم داد و جریان تئاتر کشور را به جریانی مرده و بدون مخاطب بدل کرد. اشنیایه بزرگ منتقدان در این زمان، آن بود که تصور می کردند بلون حضور جریان علمی نمایشی بر صحنه، امکان نقد تئاتر وجود ندارد. در صورتی که در بسیاری از اوقات در صورت عدم حضور جریانی فرهنگ پایا می هنری، استمرار نقد و بررسی آن می تواند به احیای مجدد آن جریان دامن بزند و این اتفاق است که در عرصه سینما و هنرهای تجسمی، بارها روی داده است. به هر حال، سکوت و تسلیم منتقدان تئاتر در برابر شرایط ناگوار هنرهای نمایشی در چند سال اخیر، یکی از عواملی است که بر دلمرگی صحنه و تماشاگر دامن زده است.

در تیرماه ۷۵، از گوشه و کنار ششدهم عده ای از معبود کسانیکه هنوز نقد تئاتر می نویسند، دور یکدیگر جمع شده و «انجمن منتقدان و نویسندگان هنرهای نمایشی» را در واحد تئاتر حوزه هنری پدید آوردند. این گروه از منتقدان چون به طور مستقل و جدا از کانون ملی منتقدان پیشین تئاتر و تمام مراکز تئاتری، تنها با هدف نقد و بررسی نمایشهای روی صحنه، یا به عرضه تئاتر کشور گذاشتند و کار خود را با نقد تئاتر مویه چم کار قطب الدین صادقی آغاز کردند و تاکنون در هشت جلسه فعالیت داشته اند. آخرین جلسه که مربوط به نقد نمایش بنویان بسود در ۱۵ دی ماه ۷۵ برگزار شد.

جلسات این انجمن از نظر زمانی نظم خاصی را دنبال نکرده و همچنان در اواسط اجرای هر نمایش در محل واحد تئاتر حوزه هنری برگزار شده است. در هر جلسه، علاوه بر نویسندگان، کارگردان و عوامل اجرای نمایش مجری - منتقد یا کارشاسان مهمان نیز حضور دارد. با وجود محدودیت فضا، جلسات نقد و بررسی تدارك با خود را آن چنان و در حال حاضر، صاحب نقد تئاتر کشور می دانند. این جلسات در حرکت نشانی از این حرکت است؛ که جمعی که با جانی خود را در میان علاقه مندان تئاتر بازی کند و همین که بسیاری از گروههای نمایشی روی صحنه، منتظر دعوت «چمن مستند، خود می شود». در روزگاری که هر گونه بحث جدی دربار «مباحث فنی و نظری تئاتر» به تسخر گرفته می شود، تنفس در فضای صمیمی و در عین حال علمی جلسات نقد و بررسی، راهگشای برای خودی و روشن کردن وضع آینده تئاتر کشور است. اما بدینسان هر چرخش از این نوع، حتی با وجود عشق و علاقه صرف بنویان آن، بدون حمایت، بودجه و توجه مراکز نمایشی کشور، به رشد لازم نمود نمی رسد. وقتی ممکن است مشکلات اجرایی، این جریان را در نطفه از پای باندازد، چاره که در وایالت تئاتر - راسر کشور (مرکز هنرهای نمایشی، حوزه هنری، کانون پرورش فکری و مراکز تولید تئاتر دانشگاهی) به این امر توجه بیشتری نشان دهند یا ایجاد ارتباط سالم با انجمن، در جهت گسترش سنت نقد و بررسی تئاتر بکشند.

يك كتابخانه زنده و جذاب

كفتگو با ریاست كتابخانه حوزه هنری

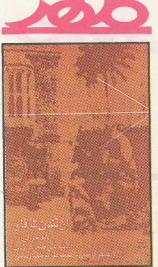
اشاره: كتابخانه حوزه هنری با نمای مشخص و ساده اش، مثل آنهائی ویژه و توداری است که در نگاه اول آنچه در چپته دارند و نمی کنند، اما همین که وارد می شوی و در همان نظر اول، با سلیقه و ظرافتی که در تبدیل یک فضای نه چندان بزرگ به كتابخانه ای زنده و جذاب به خرج داده شده، نیست می کنی بیشتر ریتمانی بر سه ای در بر گردانها بزنی. برای آشنایی بیشتر دوستداران و خوانندگان کتاب (به خصوص، كتابهای ادبی و هنری)، مصاحبه ای ترتیب داده ایم با آقای پایایی، رئیس محترم این كتابخانه که از نظریان می گردد.

■ كتابخانه حوزه هنری از زکس و چگونگی راه اندازی شده است؟
 ■ این كتابخانه در واقع، همزمان با تأسیس حوزه هنری در سال ۱۳۶۰ در فضای شصت متری و با ۳۰۰۰ کتاب شروع شد. این حرکت، توده اند، بابیبه است که نسبت به آن سری نشان می دهند. اما نکته مهم، استقبال جوانان در گروههای نمایشی از این حرکت است؛ که حتی که با تیلیات و بودجه صفر، کم کم جانی خود را در میان علاقه مندان تئاتر بازی کند و همین که بسیاری از گروههای نمایشی روی صحنه، منتظر دعوت «چمن مستند، خود می شود». در روزگاری که هر گونه بحث جدی دربار «مباحث فنی و نظری تئاتر» به تسخر گرفته می شود، تنفس در فضای صمیمی و در عین حال علمی جلسات نقد و بررسی، راهگشای برای خودی و روشن کردن وضع آینده تئاتر کشور است. اما بدینسان هر چرخش از این نوع، حتی با وجود عشق و علاقه صرف بنویان آن، بدون حمایت، بودجه و توجه مراکز نمایشی کشور، به رشد لازم نمود نمی رسد. وقتی ممکن است مشکلات اجرایی، این جریان را در نطفه از پای باندازد، چاره که در وایالت تئاتر - راسر کشور (مرکز هنرهای نمایشی، حوزه هنری، کانون پرورش فکری و مراکز تولید تئاتر دانشگاهی) به این امر توجه بیشتری نشان دهند یا ایجاد ارتباط سالم با انجمن، در جهت گسترش سنت نقد و بررسی تئاتر بکشند.



■ در حال حاضر، در اینجا ۷۰۰۰۰ نسخه متنوع داریم. در مورد قسمت دوم سؤال شما، باید بگویم، ما اتفاقاً در كتابخانه حوزه هنر این زمینه کاری انجام می دهیم که شاید کمتر كتابخانه ای به شکل منظم به آن برپردازد؛ و آن تهیه نمودارهای خرید کتاب سالیانه (بر حسب موضوع) است و همین طور که ملاحظه می فرمایید، سونو کتب ادبی و هنری، بیشترین درصه را به خود اختصاص می دهند و در واقع، زمینه موضوعی این كتابخانه، ادبیات و هنر است.

■ از ۷۰۰۰۰ نسخه ای که فرمودید، چند تعداد در هر بخش به تفکیک، قرار گرفته است؟
 ■ از این مقدار هزار نسخه، ۳۰۰۰۰ آن متعلق فارسی، ۸۰۰۰ متعلق لاتین، ۲۰۰۰۰ نشریه و بقیه، اسپلید، عکس، میکرو فیلم و میکروفیش هستند.
 ■ امکانات کامپیوتری كتابخانه در چه حدی و در چه قسمتهائی است؟
 ■ یکی از اولین کارهایی که ما کرده ایم، خرید یک نرم افزار و دهن اطلاعات به کامپیوتر بوده و تا الان، اطلاعات همه کتابهای موجود مجموعه، به کامپیوتر ثبت شده است، که با خرید یک دستگاه رایانه اضافی، افراد می توانند علاوه بر بزرگان، منابع مورد نظرشان را نیز از طریق کامپیوتر، جست و جو کنند. کامپیوتر دیگری داریم که مجهز به سیستم صوتی و CD است. ما در حال حاضر با خانه کتاب» (ناشر «دکاب هفته») و ده تا پانزده كتابخانه دیگر، ارتباط رایانه ای داریم. تهیه میکروفیلما و میکروفیشهای متعده، دستگاه «Reader print» (مستگاه خواننده و چاپگر میکروفیلما و میکروفیش)، CD های بجا رانگوار، میکروفیش، قرآن، دایرةالمعارفهای موسیقی، هنر و سینما از دیگر امکانات این كتابخانه است.
 ■ شرایط عضویت چگونه است و در حال حاضر، این كتابخانه چند عضو دارد؟
 ■ شرایط عضویت چند عضو دارد؟
 ■ از اینکه در این مصاحبه، شرکت فرمودید، متشکریم.
 ■ هم از شما متشکر می کنم.



■ از تلنن تا فافو
 به كوشش اصغر كاظمی، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۳۳۰۰، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۱۷۰ ص، ۱۷۰ تومان.
 مجموعه ای از خاطرات نژ از عزیزان رزمنه که با پانتهآ و زینبا و دلنشین روایت شده است. یکی از این عزیزان در بخشی از خاطراتش می گوید: «... وقتی به برگه امیر رسید... با تمجیب از امیر پرسید: برادر صرافتی متولد کجایی؟ امیر... لندن»

■ سال های تهنی
 به كوشش رضا خداینده، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۳۳۰۰، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۱۸۸ ص، ۲۴۵ تومان.
 «سالیهای تهنی» خاطراتی است از دوران اسارت خلیبان آزاده ایرانی هوشنگ شروین که پس از ایزد سال به آقوش وطن بازگشته است.

■ میدان هوایی گردیز
 به كوشش حمزه واعظی، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۳۳۰۰ ن، ۸۰ ص، ۱۸۰ تومان.
 هشتمین دفتر از مجموعه خاطرات جهاد افغانستان، دور گیرنده می و دو خاطره کوتاه

مجموعه این جا، آگاه باشد و مشتقی روی بر قرص آن ننشاند.
 ■ از اینکه در این مصاحبه، شرکت فرمودید، متشکریم.
 ■ هم از شما متشکر می کنم.

شرکت تولیدی فرآورده های گوشتی

انواع سوسیس و کالباس استاندارد در ایران

با علامت استاندارد در ایران

انواع سوسیس و کالباس استاندارد در ایران

علامت استاندارد

نشانه مرغیت کالاست

دفتر مرکزی: خیابان ولیعصر (مزم) کوچه محمد زیدی، ساختمان الف، شماره ۲۵، کد پستی ۳۱۵۸
 مرکز تهیه و پخش: خیابان ولیعصر (امیر اکرم)، کوچه ماه پلاک ۱۳
 آدرس کارخانه: کمال آبان، کیلومتر ۲ جاده کرج - قزوین، مقابل پاساژ جامع

همچنان برای حفظ حقوق کودکان باید...

اخیراً خبر گزارگری آلمان، اعلام کرده است که مقامات فرهنگی پارلمان اروپا با صدور اطلاعیه‌ای از اولیا و مدیران مدارس خواسته اند که به طور جدی موضوع سوءاستفاده جنسی از دانش‌آموزان را مورد توجه قرار دهند و درصدد اتخاذ همه گونه اقدامات پیشگیرانه بیایند. خاتم ادیت کرسن، سخنگوی بخش علوم پارلمان اروپا نیز ضمن اشاره به نسبت اخیر مقامات فرهنگی این پارلمان و بحث و گفت و گو درباره شیوه های مبارزه با مسئله سوءاستفاده جنسی، اظهار داشته اند که بزور این گونه حواالت نطف برای دانش آموزان، موضوع تحصیل و تربیت را با خطرات بی شماری مواجه ساخته است. شایع گفته نامبرده، این گونه مسائل منجر به ایجاد وقفه در موفقیت دانش آموزان شده و در اغلب موارد، این دانش آموزان، قادر به بازیابی شخصیت پامال شده خود نیستند. در حال حاضر در کشور آلمان، نزدیک به شصت درصد دانش آموزان از ادامه تحصیل تا پایان سطح دبیرستان، صرف نظر می کنند. این افراد، بعدها در زمینه اشتغال و ورود به بازار کار، دچار مشکلات فراوانی خواهند شد.

پلاستیک سبز کاشته شد

استفاده روزافزون از پلاستیک به شکلهای مختلف از جمله ظروف یک بار مصرف، از عوارض زندگیهای شهرنشین است. از آنجا که تجزیه پلاستیکیهای موجود، پانصد سال به درازا می کشد و فرات به آنجا که مواد از آنها نیز موجب انتشار برخی آلودگیهای شیمیایی می شوند، تی چند از دانشمندان در باوریا و ساکسونی آلمان به کشت نوعی نخود چین دار که از نشاسته آن می توان پلاستیک تجزیه پذیر ساخت، پرداختند. کود این پلاستیک سبزه نه تنها در زمره انواع مرغوب و مقاوم بوده است و می تواند برای تولید برخی از قطعات اتومبیل نظیر «داشبورد» مورد استفاده قرار گیرد، بلکه پس از تجزیه شدن نیز برخلاف پلاستیکیهای فعلی، بدون هیچ گونه عوارض زیست محیطی، جذب خاک می شود.

موقیبت و جایگاه نشریات هنری

مهمان کشنکار باقری

در این بررسی، میزان نشریات هنری به طور عام نسبت به سایر نشریات تخصصی در چهار کشور ژاپن، چین، پاکستان و سوریه منظر قرار داده و سپس جایگاه آنها را در میان نشریات دیگر به خصوص نشریات تخصصی کشورمان مین می کنیم. در میان این چهار کشور، ژاپن با داشتن ۶۴۰۸ نشریه تخصصی در زمینه های مختلف و سوریه با ۲۸ نشریه



می دهند. حال آنکه در کشوروی همچون سوریه، هیچ نشریه تخصصی در زمینه هنر منتشر نمی شود. به عبارتی، مقوله هنر همچون هنر، فاقد جایگاه و اعتبار کارشناسانه در این کشور است و این خود با توجه به اسلامی بودن اکثریت قریب به اتفاق مردم این کشور، می تواند به عنوان چالشی در زمینه گسترش و اعتلای فرهنگ و هنر اسلامی شناخته شود.

مشت، نمونه خروار

کزارسی از وضعیت کتابهای هنری در نمایشگاه

عهده داده بودند که سال ۷۶، سال کتاب است. در سال گذشته، طبق آمار ۱۸٪ به کتابخوانان و همین درصد به تیراژ کتابها اضافه شد و این سال رونق نشریات است و طبقه این تحول را در نمایشگاه کتاب خواهید دید.

اما نمایشگاه کتاب و مطبوعات، نه تنها در ترتیب بهتری نسبت به سال پیش داشت و نه تیراژات و امکانات بیشتری در اختیار بازدیدکنندگان گذشته قرار داده بود. سالن های بزرگ و بی نظم و فرقه های قشنگ و جامه ای، اما، اما، کتابها؟ در نمایشگاه کتاب، وضعیت و نمایشگاه کتاب، وضعیت کتاب های هنری، همچون مشت می شود، نمونه خروار. در نمایشگاهی که فاعداً باید شاهد انتشارات کتابهای تازه های هنر، باقیم است، یا آن قدر گران است که حتی جرئت نمی کنیم آنها را نگاه کنیم. تو را به خدا، بنویسد ما چه کار کنیم. وضع کتابهای خارجی، چه طور بود؟

خودتان تشریف ببرید، ببینید: فرقه ۳۱ طبقه دوم، سنت راست، کتابهای هنری. وضع فرقه های دانشگاهها (دانشگاه آزاد اسلامی) هم از این جا بدتر بود.

فرقه ۴۱، سالن عظیمی بود که به انتشارات خارجی اختصاص داده شده بود. اما اکثر فرقه داران در حال مگس پراندن بودند. ظاهر سطح سوآند انگلیسی و فرانسه کتابخوانان ایرانی تعریف نداشته کسرالتیان، از در و دیوار بالا می رفت.

از هم گسیختگی جامعه از منظر موسیقی

محمدناصر ریاضی

فرامرزی روح، بر استاد جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی در «کوشش جهت آغاز یک بررسی جامعه شناختی از اثرات سازنده و مخرب موسیقی در ایران» که به ناگهی، اقدام به انتشار کتابی، تحت عنوان «جامعه احساس و موسیقی» کرده است.



این کتاب که در چهار فصل نگارش یافته، ابتدا به متفکرانه و طرح مسئله پرداخته و سپس در فصل دوم به «احساس» که به اعتقاد نویسنده حلقه واسط و عامل پیونددهنده جامعه و موسیقی است، پرداخته است. احساس از آن رو که عامل درونی شکل گیری گروههای مختلف و ایجادکننده هیبتگی و وحدت اجتماعی است، مورد توجه خاص نویسنده است. از آنجا که موسیقی از این راه بر جامعه تأثیر می گذارد، تعریف و ایجادمختلف و همچنین نحوه پدیدایش و «دوران اجتماعی» شدن احساس. در این فصل به بحث گزاره شده است. رفیع پور در بخش کارکرد اجتماعی احساسی» به نقادهای ارزشی میان احساسات جوامع غربی و ایرانی اشاره کرده و در بررسی عوامل مؤثر در رشد و پرورش احساسات در ایران. در شرایط جغرافیایی، اقلیمی و مذهبی به خصوص مذهب شیعه وحدت بخش آن مجلبور می بندد. به نظر او، موسیقی کلاسیک با ریشه های مذهبی

موقیبت و جایگاه نشریات هنری

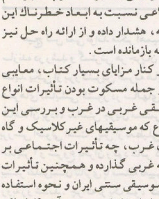
مهمان کشنکار باقری

در این بررسی، میزان نشریات هنری به طور عام نسبت به سایر نشریات تخصصی در چهار کشور ژاپن، چین، پاکستان و سوریه منظر قرار داده و سپس جایگاه آنها را در میان نشریات دیگر به خصوص نشریات تخصصی کشورمان مین می کنیم. در میان این چهار کشور، ژاپن با داشتن ۶۴۰۸ نشریه تخصصی در زمینه های مختلف و سوریه با ۲۸ نشریه

می دهند. حال آنکه در کشوروی همچون سوریه، هیچ نشریه تخصصی در زمینه هنر منتشر نمی شود. به عبارتی، مقوله هنر همچون هنر، فاقد جایگاه و اعتبار کارشناسانه در این کشور است و این خود با توجه به اسلامی بودن اکثریت قریب به اتفاق مردم این کشور، می تواند به عنوان چالشی در زمینه گسترش و اعتلای فرهنگ و هنر اسلامی شناخته شود.

شبهای واندیشه

پنج سال پیش، رضا مهدوی (نوازنده سنتور و مدرس موسیقی سنتی) کار دشوار و طاقت فرسای برگزاری ورشده برنامه های آموزشی - پژوهشی را در واحد موسیقی حوزه هنری آغاز کرد که خود در واقع، تنها عضو و گرداننده آن بود. مهدوی تاکنون بیش از بیست و پنج برنامه را با حضور زنده ترین استادان موسیقی ایرانی (کتابی، شهبازیان، ناصحی، ملک، پیداریان، بینش، مسعودیه، روحان و...) و نیز بزرگان آموزش موسیقی غیرایرانی (کوهستانی، سالاری و...) در چشمدین برسامه نیز در فرهنگسرای بهمن و اسپارن و تالار رودکی و... به اجرا در آورده است. رضا مهدوی در نظر دارد با یادگاری از این دوره جشنواره را در کتابی به نام «شبهای واندیشه» منتشر کند. تنظیم و ویرایش مطالب را سید علیرضا میرانی نقلی برعهده دارد که پرورشهای این سالن برنامه ها را در طی این پنج سال تهیه می کرده است.



گوشه گیرانه، سوق می دهد که برای یک نظام اجتماعی، بسیار مخرب است. تحت عنوان نتیجه گیری، ضمن انتقاد از وضعیت آشفته موسیقی و تأثیرات مخرب آن بر نظام اجتماعی نسبت به ایجاد خطرناک آن این مسئله، هشدار داده و از ارائه راه حل نیز متأسفانه بازمانده است.

در کنار مزایای بسیار کتاب، معایبی چند از جمله سکوت بودن تأثیرات انواع موسیقی غربی در غرب و بررسی این موضوع که موسیقیهای فیرکلاسیک و گام مبتدل غرب، چه تأثیرات اجتماعی بر جامعه غربی گذارده و همچنین تأثیرات مثبت موسیقی سنتی ایران و نحوه استفاده مناسب از این اثر و تمییم آن، قابل ذکر هستند. از آنجا که هدف این کتاب «کوشش برای نشان دادن جایگاه موسیقی در تقویت با شخصیت و وحدت، هیبتگی و نظم اجتماعی است» باید اذعان داشت که به نظر نویسنده، موسیقی فعلی ما در جهت تقویت هیبتگی نیست. فرایط بودن مخاطبان موسیقی در جامعه، طرح میبات نظری را در این باره ضروری ساخته و این کتاب با وجود حجم کم خود، آغاز مناسب در طرح مسائل جامعه شناختی موسیقی است که خوانان آن را به همه علاقمندان توصیه می کنیم.

«جامعه احساس و موسیقی» توسط «شرکت سهامی انتشار» با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه در ۶۳ صفحه و به قیمت: ۲۵۰ تومان در دسترس خوانندگان است.

شرکت اس، دی، ام

سهامی خاص



تاریخچه شرکت اس دی ام در سال ۱۳۵۸ جهت انجام کارهای ساختمانی و راهسازی تاسیس شد و در حال حاضر در زمینه راهسازی، فرودگاه، بل، تونل، ساختمان (اعم از ساختمانهای سنتی، ساختمانهای صنعتی و ساختمانهای پیش ساخته)، تاسیسات و معدن دارای سابقه و مشغول فعالیت می باشد.

خباتان آفریقا، ناصحی شرقی، شماره ۱۵ طبقه چهارم
فاکس: ۲۰۵۳۱۸۰ • کد پستی: ۱۹۱۵۶
تلفن: ۲۰۵۲۱۸۰ • ۲۰۵۲۱۸۰ • ۲۰۵۲۶۸۸ • ۲۰۵۲۶۵۵

از هم گسیختگی جامعه از منظر موسیقی

محمدناصر ریاضی

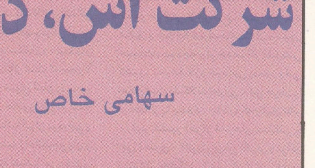
فرامرزی روح، بر استاد جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی در «کوشش جهت آغاز یک بررسی جامعه شناختی از اثرات سازنده و مخرب موسیقی در ایران» که به ناگهی، اقدام به انتشار کتابی، تحت عنوان «جامعه احساس و موسیقی» کرده است.

این کتاب که در چهار فصل نگارش یافته، ابتدا به متفکرانه و طرح مسئله پرداخته و سپس در فصل دوم به «احساس» که به اعتقاد نویسنده حلقه واسط و عامل پیونددهنده جامعه و موسیقی است، پرداخته است. احساس از آن رو که عامل درونی شکل گیری گروههای مختلف و ایجادکننده هیبتگی و وحدت اجتماعی است، مورد توجه خاص نویسنده است. از آنجا که موسیقی از این راه بر جامعه تأثیر می گذارد، تعریف و ایجادمختلف و همچنین نحوه پدیدایش و «دوران اجتماعی» شدن احساس. در این فصل به بحث گزاره شده است. رفیع پور در بخش کارکرد اجتماعی احساسی» به نقادهای ارزشی میان احساسات جوامع غربی و ایرانی اشاره کرده و در بررسی عوامل مؤثر در رشد و پرورش احساسات در ایران. در شرایط جغرافیایی، اقلیمی و مذهبی به خصوص مذهب شیعه وحدت بخش آن مجلبور می بندد. به نظر او، موسیقی کلاسیک با ریشه های مذهبی

قدرت تنکر منطقی فرد، محیط طبیعی مطلوب یا نامختار و وضعیت معیشت افراد. بستگی دارد. نویسنده با ارائه نظریات کاربردی موسیقی در غرب و ایران و کاربرد موسیقی در ایجاد فرد و اجتماعی اشاره کرده و ابعاد اجتماعی موسیقی غربی را در موسیقی کلاسیک و ویزگی وحدت بخش آن مجلبور می بندد. به نظر او، موسیقی کلاسیک با ریشه های مذهبی

شرکت اس، دی، ام

سهامی خاص



تاریخچه شرکت اس دی ام در سال ۱۳۵۸ جهت انجام کارهای ساختمانی و راهسازی تاسیس شد و در حال حاضر در زمینه راهسازی، فرودگاه، بل، تونل، ساختمان (اعم از ساختمانهای سنتی، ساختمانهای صنعتی و ساختمانهای پیش ساخته)، تاسیسات و معدن دارای سابقه و مشغول فعالیت می باشد.

خباتان آفریقا، ناصحی شرقی، شماره ۱۵ طبقه چهارم
فاکس: ۲۰۵۳۱۸۰ • کد پستی: ۱۹۱۵۶
تلفن: ۲۰۵۲۱۸۰ • ۲۰۵۲۱۸۰ • ۲۰۵۲۶۸۸ • ۲۰۵۲۶۵۵

پایخ شلیم که داوود آراد، نوازنده راز اردیبهشت ماه اسفند برای اجرای کنسرت به اروپا سفر خواهد کرد. وی پاییز سال گذشته، بنمید از شرکت در فستیوال جهانی موسیقی (نیزو) به نام «جهان در شعله» به فرانسه، آلمان و انگلیس سفر کرده و قطعاتی را از موسیقی کلاسیک در فضایی عرفانی اجرا کرد. او می گوید: «برای شرکت در کنسرت موسیقی عرفانی ایران که در لندن خواهد بود به انگلیس سفر خواهم کرد. این برنامه همزمان با کنفرانس «تصرف ایران» است که اسفاندا الی خواسته‌اند داشته باشد. من برای کنسرت، کارهایی را آماده کرده‌ام که قطعاتی هستند از موسیقی سنتی و موسیقی عرفانی».

داوود آراد دو برنامه دیگر نیز در همین زمینه در سمرقند، لندن و دانشگاه منچستر خواهد داشت.

جلد سوم کتاب «ستایشگر»

سال جاری، جلد دوم کتاب «واژه‌نامه موسیقی ایران زمین اثر مهدی ستایشگر (نوازنده سنتور و نویسنده کتاب «وزیرگی سنتور...») از سوی انتشارات «اطلاعات» از چاپ درآمد. این مجموعه دو جلدی با دفتر شیدایی که در زمینه کتابهای آموزشی موسیقی ایرانی وجود دارد، کار پاکیزه و قابل استفاده‌ای است. اینک مهدی ستایشگر، جلد سوم این کتاب (نامشده) را در دست نگارش دارد که قاعدتاً می‌باید شامل اسامی موسیقیدانان ایران زمین و شرح حال و آثار آنان باشد.

زخمه‌های عشق و حماسه در تالار اندیشه به صدا درآمد

گزارشی از نخستین جشنواره موسیقی حماسی

نخستین جشنواره موسیقی حماسی با دهم تا سیزدهم اردیبهشت ماه سال جاری با موسیقی خراسان (آریز جام) در محل تالار اندیشه حوزه هنری آغاز شد و خاتمه یافت. تیم تحقیقاتی واحد موسیقی حوزه هنری در پژوهشی دوساله به همراه محمدرضا درویشی، موارث کهن موسیقی کشور را در اقصی نقاط کشور بازتافته و حاصل تلاش خود را طی ۱۲ روز در قالب این جشنواره عرضه کردند.

میزبانی جاسوزنترین نغمه‌های حماسی را نوازندگان و خوانندگان بختیاری و نقشبندی، در مرکز ایران و ترکمنها در شمال کشور برعهده داشتند. کرج ایل، عشق‌ا، حماسی و حماسه‌هن عاشانه، سوز و گداز در موسیقی این مناطق به ودیعت نهاده که کمتر قابل توصیف است.

دوب با پایتانی را موسیقی آذربایجان به خود اختصاص داده بود. موسیقی آذربایجانی غریب (ارومیه و نغده) و موسیقی عاشقی آذربایجان شرقی (تبریز) جالبه‌هایی از خیاگری باستان بودند. اجرای عاشقی با که با نور زندگی مردم آذربایجان عین شده است یکی از زیباترین حس‌های منمکن را بر این جشنواره ارزشده رقم زد. استقبال پرشور متخصصان تراز اول موسیقی کشور از این جشنواره علاوه بر نشان دادن قوت برنامه‌ها خلاقه چنین اجراهایی را نیز یازتاب می‌داد. همچنین خیل مشتاقان موسیقی محلی و فولکلور که اغلب پشت درهای بسته و ظرفیت پرشده سالن‌ها نامید یازمی گشته‌اند نشانگر جایگاه ویژه این نوع موسیقی در کشور است.

شیروران، بیخوند، قوچان، آستانه، پیرچند، سوزار، نیکسپور و بیخست گناباد، زریابی مختلف موسیقی این منطقه را به نمایش گارد. چهارمین شب برنامه به شمال کشور اختصاص داشت، موسیقی مازندران و گیلان با ارائه موسیقی بخشهای مختلف در دو شکل موسیقی سازی و آوازی اجرا شد که موسیقی تالش نشیخان گیلان به دلیل تفاوت قومی، زبانی و فرهنگی با سایر ساکنان این منطقه فاقد انسجام و یکدستی با سایر برنامه‌های این دوره بود.

موسیقی کورستان در پنجمین شب جشنواره با ارائه نواهای سقز، بوکان، سننج، مهاباد، میوان، پاره و جوازورد، آوای پرندگان رنگارنگ، شقایقهای سرخ و گلشهای زرد کومستان را زنده کرد و بیست خوانان کرد با روایت ماجراهای حماسی که سرشار از عشق، جنگاوری، ایمان، تلخی و شیرینی بود، جنبه‌های دیگری از موسیقی کشورمان را به اجرا درآوردند.



مختصان موسیقی در این جشنواره علاوه بر نشان دادن قوت برنامه‌ها خلاقه چنین اجراهایی را نیز یازتاب می‌داد. همچنین خیل مشتاقان موسیقی محلی و فولکلور که اغلب پشت درهای بسته و ظرفیت پرشده سالن‌ها نامید یازمی گشته‌اند نشانگر جایگاه ویژه این نوع موسیقی در کشور است.

فروشگاه سرو

خرید و فروش لوازم صوتی و تصویری خانگی

تلفن: ۶۴۲۳۶۸۷

۹۲۰۳۳۳

فکس: ۶۴۲۳۶۸۸

تلفن: ۸۹۰۸۰۲

کلبر

نجابتی

قصه‌های محله امرالله احمدجو



هرگونه: استفاده، سوءاستفاده، پرمینا، برینتی، برداشت، با نگاهی به، اقتباس، نوآورد و ... ممنوع است، حتی با اجازه نویسنده.

۱. اینکه چطور یکی لوله‌کش، زیاد آب برمی‌دارد.

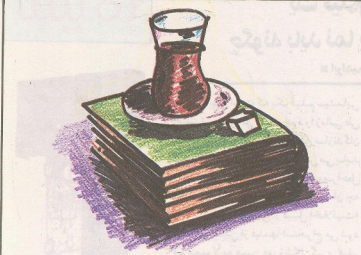
۲. اینکه چطور یکی به تعبیر قیابش می‌شد.

۳. اینکه چطور یکی چاقویش، ماست نمی‌شد.

۴. اینکه چطور یکی خدایش رنگ نداشت.

۵. اینکه چطور یکی کلامش پشم نداشت.

استاد را می‌گویم که مثلاً بزرگ و فاضل محله است و باید این طور وقتها به درد بخورد. دارند حق محله را ناقص می‌کنند، بشناسند.



جمعمان جمع بود و... محمد نیکویی

جمعمان جمع بود. توی یک چایخانه سنتی نشسته بودیم. گپ می‌زدیم و چای دارچینی سفارش می‌دادیم. یکی از دوستان که سالهاست در روزنامه‌های کثیرالانتشار صبح و عصر قلم می‌زند و غالباً ستونهای خوش بوی بالایی را هم به خود اختصاص می‌دهد، درباره‌ی تازه‌ترین کتابی که خوانده بود نطق آتشینی ایراد می‌کرد و مولف بخت برگشته کتاب را آماج حملات بی‌وقفه خود قرار داده بود. دوست ما، تقریباً همه ارکان تشکیل دهنده کتاب از جمله موضوع و پرداخت و فصل بندی و ... را مورد انتقاد قرار داد. حتی در مورد نقطه‌ها و زیرکانه‌های کتاب هم اظهار نظر کرد.

چراغهای چایخانه که یکی از دیگری خاموش شد، همگی پاشته‌ها را در کشیدیم و راه افتادیم. در راه من که از نقد مهیج دوستان سر ذوق آمده بودم، کتاب مذکور را از او به امات گرفتیم.

تا میثان فردوسی پیاده رفتیم و بعد هر کس راهی خانه اش شد. توی تاکسی مشغول ورق زدن کتاب شدم. خشمگنم زد. وره‌های کتاب جابه‌جابه‌ها هم چسبیده‌اند و اثری از تورق قبلی در آن به چشم نمی‌خورد.

شرکت توسعه و سرمایه‌گذاری غرب کشور

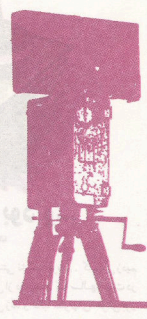
شرکت توسعه و سرمایه‌گذاری غرب کشور در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۲۱ با تصویب هیئت محترم وزیران به منظور توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عمرانی چهار استان غرب کشور تأسیس گردید.

عرصه اصلی فعالیت‌های این شرکت به طور خاص استانهای آذربایجان غربی، کردستان، ایلام و کرمانشاه بوده و با ایجاد کارخانجات صنعتی و تولیدی این واحد می‌تواند سهم عده‌ای در محرومیت‌زدایی و ایجاد اشتغال مفید در این خطه از سرزمین ایران اسلامی ایفاء نماید.

در این راستا علاوه بر تکمیل چند طرح راکد، با اجرای طرح‌های جدید توانسته‌است به موفقیت‌های چشمگیری دست یابد. علاوه بر مناطق فوق، تعدادی طرح‌های صنعتی و عمرانی دیگر در سایر استانهای کشور نیز اجرا و با یازسازی و بهینه‌سازی می‌نماید که از آن جمله می‌توان طرح‌های اکسیژن هرمزگان، اکسیژن زاهدان و کارخانه پوستر و چرم لرستان را نام برد.

امید است که در سایه عنایات الهی، توجهات حضرت ولی عصر (عج) و با الهام گرفتن از رهنمودهای مقام معظم رهبری و اجرای سیاست‌های هیئت محترم دولت، این شرکت بتواند گام‌های بلندتری در عرصهٔ پیشرفت و آبادانی مناطق غیربرخوردار کشور بردارد.

آدرس: تهران، خ ولی عصر، باین تر از بزرگراه شهید چمران، کوچه شهید ترکمن‌دوز، پلاک ۲۳
کد پستی: ۱۹۶۶۶
تلفن: ۲۰۴۰۶۸۱ - ۲۰۴۰۶۸۰ - ۲۰۴۰۸۷۷ - ۲۰۴۵۱۰۶
فاکس: ۲۰۵۰۴۰۹



بازی های کودکان!

در سال گذشته میلادی، جمعی از فیلمسازان جهان به مناسبت ورود به سده دوم هنر سینما و بزرگداشت برادران لومیر فیلمهای یک دقیقه ای ساختند. در ساختن این فیلمها که با همان دوربین برادران لومیر فیلمهای یک دقیقه ای ساختند. در ساختن این فیلمها که با همان دوربین

برادران لومیر فیلمبرداری شدند فیلمسازان مشهوری چون ویم ورنرس، توت آنجلوپولوس، کلودلوش، ژاک ریوت، لیوآولمان، دیوید لیچ، آندری کونینالوفسکی، اسپایک لی، ژانگ یی مو، آرتورین و... شرکت داشتند. از کشور ایران عباس کیارستمی تنها فیلمساز حاضر در این جمع بود. وی در بخشی از فیلم مذکور می گوید: «فیلمسازی لذت بخش است برای من. برای این که برای من خیلی جدی نیست، فن است و می توانم بازیهای کودکانم را از طریق فیلم ادامه دهم.»

یک فیلم سینمایی چگونه باید نمایش داده شود؟

■ ارواحیم طحلوئی فر



مضمون فیلم و یا از جهات پیش بینی نشده دیگر. مرحله «اکران» لوازم و اصولی فیلم شکل می گیرد و پرورش می یابد و ستاریسمی نوشته می شود و مراحل فیلمبرداری و... باقی بماند. همه آن چه بعدها تحت عناوینی از قبیل «اخلاقیات» توسط منتقدین از فیلمها استخراج می شود هم معمولاً به همین دوره شکل گیری فیلم سینمایی بازمی گردد.

اما به هر حال سینما، یک وجه اقتصادی و مخاطبها یا عوامل انسانی هم دارد که اگر احمیتش پیش از مراحل اولیه فیلمسازی نباشد، کمتر نیست، یک فیلم سینمایی با هر کیفیت هنری به هر حال باید یک مرحله اساسی به نام «اکران» را از سر آغاز کند تا وضعیت مشخص شود.

اگرچه هنر به انحالی مختلف از قبیل معماری کارخانه ها، طراحی تبلیغات، نقاشی و آرایش محصولات یا به هر نوع دیگری در خدمت صنعت باشد، به وسیله ابزارهای مدرن موسیقی و محصولات شیمیایی در رنگ و ابزارهای صوتی و روشنی و به صورت جامع و کلی، صنعتی که در سینما مورد استفاده است از صنعت کسب میگیرد. ولی هرگز صنعت نمی تواند روح هنر و رنگ گوی برمی گردد و روی نویسنده را کم نمی کند. معمولاً هم آن قهرمان، محبوب قابل درک است. به همین خاطر، حضور هنر در صنعت، موجب تطبیق و معنی یافتن و قبایل تحمل شدن آن است، اما حضور صنعت در هنر، بدون اینکه قبلاً خود را با تفکر و تخیل تطهیر کرده باشد، موجب آشفته گی و ناسامانی هنر شده، آن را از هویت خود ساقط کرده و از آن کالا می سازد. تشکر را از آن گرفته، به

مضمون فیلم و یا از جهات پیش بینی نشده دیگر. مرحله «اکران» لوازم و اصولی فیلم شکل می گیرد و پرورش می یابد و ستاریسمی نوشته می شود و مراحل فیلمبرداری و... باقی بماند. همه آن چه بعدها تحت عناوینی از قبیل «اخلاقیات» توسط منتقدین از فیلمها استخراج می شود هم معمولاً به همین دوره شکل گیری فیلم سینمایی بازمی گردد.

Advertisement for Kimiya Carpet Mashhad. Text includes: شرکت تولیدی فرش ماشینی، کیمیا ماشهد، KIMIYA CARPET MASHAD, دفتر تهران: خیابان حافظ، روبروی دانشگاه امیرکبیر، کرچه شیرین، شماره ۴۴، طبقه پنجم، تلفن: ۸۸۰۷۴۷۷ - ۸۸۰۷۴۵۲، فاکس: ۸۸۹۸۸۹۹، تلفن: ۰۲۱۸-۰۵۷۸-۲۱۸۸، فاکس: ۰۲۱۸-۰۵۷۸-۲۱۸۸, Office: 5th floor, No. 44 Shirin Ave., Hafez Ave., Tehran-IRAN, Tel: 98-21-880 7447 & 880 7453 Fax: 98-21-889 8899, Factory: Beginning of Shandiz, Mashad-IRAN Tel:98-5287-2118 Fax: 98-5287-2117

خری در پوست آدمیزاد

■ سعید علی میر فتح



گفته به این شرط خواهد آمد که مجبور باشم همانطور رفتار کنم که دیگران رفتار می کنند. با این حال مرا پذیرفتند. نه صورتک به چهره زدم و نه لباس غیر آنچه معمولاً به تن داشتم پوشیدم. ساعت نه شب بود. یک دروازه در راه برپا کرد. مرا به اسم می شناخت. دقت که کردم فهمیدم پسر خاله صاحب خانه است. بارها از او شنیده خنده بودم. یک گرگ با کت و شلوار و کراوات جلی آمد. دست داد و خوشامد گفت. جلس زدم که شاید صاحب خانه باشد. اگر می خواستم سستی کنم همه را و از او این ماسک ها بستانم. دیگر توانی برپا می بینی. سانس پیش از حد شلوغ بود. تقریباً من تنها مهمان بودم که ماسک نداشتم. حتی کسانی که پلاری میمها را به عهده آنها بود هم تغییر قیافه داده بودند. یک آقای سرخ پوست با کلاه بردار و صورت رنگ شده، نوشیدنی تعارفم کرد. صدای یکی از شکلاسی ها را از پشت سر شنیدم. با گزتم بدم یک دیو است. ممر که گرفته بود. حرف های بازمی زد و باقی بلند می شد می خندیدند. مرا که دید گفت: چه ماسک گفتگی از کجا خریدی؟ اطرافیان خندیدند. گفتیم: امن که ماسک ندارم. اما کاش تو ماسکی می خریدی که لوری با قیافه انسانی تفاوت داشت. چه خودم میسک نخریدم. بعد از چند ثانیه سکوت دوباره خندیدند. اصلاً ناراحت نشدم. نزدیکتر رفتم. یو گفت: همه دل نگیر. ما منت تصمیم گرفته ایم بختیم. حتی اگر زلزله هم بیاید ما خواهیم خندید. گفتیم: من هم با شما می خندم. حتی اگر موضوع خنده خود من باشم. همه بلند بلند خندیدند و برپا دست زدند. در احوال خواست گردنم را بگیرد. چندانم شد، اما به رو خود نیامردم. یک آلاخ جلو آمد. خود گفت: «به خاطر اینکه آمدی و به خاطر اینکه خیلی باحالی خاترم» دو سر پوت سواری بدم. «دستی به سر آلاخ کشیدم و همچنان همه بلند بلند می خندیدند. یک پنتو کو در جمع بود. دو قیوب آشکارا برپا می کردیم می گردند یکی از آنها به وسیله چندین کارکنان مطلق حمایت می شود. ولی در مسابقه، تمداد زیادی توپیل را ن به رقابت می پردازند که علی اسول می یابد و وسیله کمپانها یا باشگاههای دیگری حمایت شود. در این جا، نه تنها خاشاکها هیچ یک از همه توپیلان مرمری نمی شود، بلکه حتی دست کم، باشگاهی که بهراند شایقی را به عنوان اصلی ترین رقیب هادیان حمایت می کند، نشان داده نمی شود. لذا به نظر می رسد که تشکیلاتی عریض به طویل با حمایت چند کارخانه شایقی به عنوان رقیبی بکه و تنها و بدون پشتوانه مبارزه می کنند. بدین ترتیب، شایقی که حتی با رنگ کردن موهای او، سعی در متفی ملو ادانش دارند، مظلوم می بیند یا هم به رقابت می پردازند. اما رعایت خشونت او را بدین وسیله موجه دانست!

که دیگران رفتار می کنند. سه هفته پس از آن شب، مهمانی دیگری ترتیب داده شد. وقتی دعوت کردند هیچ شرط و شروطی نگذاشتند. دعوت آنها را با کمال میل پذیرفتم، تنها هر ماسکی را که خواستم انتخاب کنم باید مکس العمل دیو و باقی جمع را منظر می گرفت. اول خواستم ماسک شیر بخرم. خودم را به جای خود گذاشتم. ساده ترین حرفی که می شد زد این بود: «آخری در پوست شیر». خودم را با هر ماسک دیگری هم که میسک می کردم خری را می دیدم در پوست دیگری. حتی از خدمت گذشت که اکنون خری هستم در پوست آدمیزاد و... سرانجام صورتک قبل را خریدم.

منتظر آثار مهم من باشید!

■ نجف کلورانی



بسنده به زدی، نویسنده بزرگی می شوم. اول باید موهایم را بلند کنم. بعد پیچ بخرم و یک بند هم کاغذ سفید. و همه اش را برش بزنم و به صاف بگیرم آنها را حد برگ، حد صد که چسب بکنم. نه! اول باید بدم اسم را بالای آنها چسب بکنم و پایین اسمم، نویسنده «نویسنده». بعد هم نشانی و شماره تلفن. مدتی هم در مطوعات به همه بد براه می گویم - البته بیشتر به هنرمندان بزرگ. بعد هم پیشنهاد می کنم، الفبای فارسی نوش شود و همه فارسی را با الفبای لاتین بنویسند. همیشه هم می گویم: هیچ کدام از شاعران و نویسندگان ایرانی را قبول ندارم! فقط اروپایی و آمریکایی! چراغ مطالعه هم می خرم.

پاراجاتف، شهید ثالث و بیضایی. مخلفات هم بد نیست، جوان خوش قریحه ای است. یاد باشد، قهوه و نسکافه و واقعاً از جوی بهتر است. فقط سینمایی عصر جدید، آن هم سالن سه. قبول ندارم! فقط اروپایی و آمریکایی! چراغ مطالعه هم می خرم.



گفته به این شرط خواهد آمد که مجبور باشم همانطور رفتار کنم که دیگران رفتار می کنند. با این حال مرا پذیرفتند. نه صورتک به چهره زدم و نه لباس غیر آنچه معمولاً به تن داشتم پوشیدم. ساعت نه شب بود. یک دروازه در راه برپا کرد. مرا به اسم می شناخت. دقت که کردم فهمیدم پسر خاله صاحب خانه است. بارها از او شنیده خنده بودم. یک گرگ با کت و شلوار و کراوات جلی آمد. دست داد و خوشامد گفت. جلس زدم که شاید صاحب خانه باشد. اگر می خواستم سستی کنم همه را و از او این ماسک ها بستانم. دیگر توانی برپا می بینی. سانس پیش از حد شلوغ بود. تقریباً من تنها مهمان بودم که ماسک نداشتم. حتی کسانی که پلاری میمها را به عهده آنها بود هم تغییر قیافه داده بودند. یک آقای سرخ پوست با کلاه بردار و صورت رنگ شده، نوشیدنی تعارفم کرد. صدای یکی از شکلاسی ها را از پشت سر شنیدم. با گزتم بدم یک دیو است. ممر که گرفته بود. حرف های بازمی زد و باقی بلند می شد می خندیدند. مرا که دید گفت: چه ماسک گفتگی از کجا خریدی؟ اطرافیان خندیدند. گفتیم: امن که ماسک ندارم. اما کاش تو ماسکی می خریدی که لوری با قیافه انسانی تفاوت داشت. چه خودم میسک نخریدم. بعد از چند ثانیه سکوت دوباره خندیدند. اصلاً ناراحت نشدم. نزدیکتر رفتم. یو گفت: همه دل نگیر. ما منت تصمیم گرفته ایم بختیم. حتی اگر زلزله هم بیاید ما خواهیم خندید. گفتیم: من هم با شما می خندم. حتی اگر موضوع خنده خود من باشم. همه بلند بلند خندیدند و برپا دست زدند. در احوال خواست گردنم را بگیرد. چندانم شد، اما به رو خود نیامردم. یک آلاخ جلو آمد. خود گفت: «به خاطر اینکه آمدی و به خاطر اینکه خیلی باحالی خاترم» دو سر پوت سواری بدم. «دستی به سر آلاخ کشیدم و همچنان همه بلند بلند می خندیدند. یک پنتو کو در جمع بود. دو قیوب آشکارا برپا می کردیم می گردند یکی از آنها به وسیله چندین کارکنان مطلق حمایت می شود. ولی در مسابقه، تمداد زیادی توپیل را ن به رقابت می پردازند که علی اسول می یابد و وسیله کمپانها یا باشگاههای دیگری حمایت شود. در این جا، نه تنها خاشاکها هیچ یک از همه توپیلان مرمری نمی شود، بلکه حتی دست کم، باشگاهی که بهراند شایقی را به عنوان اصلی ترین رقیب هادیان حمایت می کند، نشان داده نمی شود. لذا به نظر می رسد که تشکیلاتی عریض به طویل با حمایت چند کارخانه شایقی به عنوان رقیبی بکه و تنها و بدون پشتوانه مبارزه می کنند. بدین ترتیب، شایقی که حتی با رنگ کردن موهای او، سعی در متفی ملو ادانش دارند، مظلوم می بیند یا هم به رقابت می پردازند. اما رعایت خشونت او را بدین وسیله موجه دانست!

کتابهایم را در اتاقم بختم می کنم تا همه بدانند چقدر کتاب می خوانم. به موسیقی سنتی فحش می دهم. فقط موسیقی کلاسیک و خودنویس پارک! همه مطالبم را با عکس چاپ می کنم؛ عکسهای رنگی هنرمندان با سیگار لای انگشت و در حال تفکر. البته بسزیمینه هم اطلاعات موسیقی داشته باشد. قهوه و نسکافه و واقعاً از جوی بهتر است. فقط سینمایی عصر جدید، آن هم سالن سه. قبول ندارم! فقط اروپایی و آمریکایی! چراغ مطالعه هم می خرم.

مشور. داخواست و... که در این زمینه با باشد، امضا می کنم. بعد هم امضایم را پس می گیرم تا جتال به با شود و بداند که از همه روشنفکرترم! البته مردم چندان مهم نیستند. چراکه مخاطبان من فقط هنرچنگانگانی جهان خواهند بود. هر چند وقت یکبار هم نویسنده بزرگی را انتقاد می کنم و می گویم: آشارس را از من سزد. یا ای بی بی سی! صحابه می کنم و می گویم: یا پاشا کمال دوستم. آزادی نیست. بشر جهان را به کشفات کشف شده. آینده تاریک است. گرسه ام و از اینکه باشا عزیزم، زندانی شده مافهم. اگر گفتند، چرا منی است کم کار شده ایبد و چیزی نمی نویسد، می گویم به لباس فلسفی؛ سیدهم. اما من به بود نود این جهان می اندیشم و به مطلب من چاپ شده و شما آن را خواهید. حتماً منتظر آثار مهم من باشید. □

● مجتهد پوست‌لما

پن روز سوره، روز سفر بود... مجتهد پوست‌لما در خطبه بی‌بافت خویش...

با وجود آنکه در این روز سوره...

در این روز سوره...

در این روز سوره...

در این روز سوره...

در این روز سوره...

در این روز سوره...

در این روز سوره...

در این روز سوره...

در این روز سوره...

در این روز سوره...

در این روز سوره...

در این روز سوره...

در این روز سوره...

● بیرون فریادش

فریاد خسته او خیزد به بیخ کنده... بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

بیرون فریادش...

● نلکه رنگو

سکون رستم، غرور رستم... نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

نلکه رنگو...

تفریح... و چند نکته آموزشی

گفت‌وگو با فریدون حسن پور، کارگردان فیلم تعطیلات تابستانی



به عنوان شروع، بیشتر است قدری از سابقه فعالیت هنری...

من مسئول ۱۳۴۰ در رشته سینما از مرکز آموزش فیلمسازی و تئاتر دانشگاه...

بلند سینمایی را داشتم، ولی هنوز شرایط مناسب مهیا نبود...

از عنصر جابه‌جایی که در ادبیات و سینما، سابقه دیرینه دارد...

آیا از ابتدا، همین ریم-چر در قفسه و چه در تلویزیون - را در نظر داشتید؟

ایه، از ابتدا می‌خواستیم ریم درونی نماها سریع باشد...

به صورت کلاسیک - چه گزیده بازیگران را مدایت کردید؟

غیر مستقیم؛ یعنی با آنها دوست می‌شدم، و زندگی می‌کردم...

در مورد امین، قفسه شکل دیگری دارد. از یک بچه...

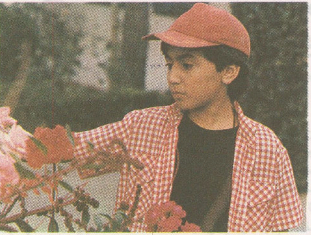
حسین این رفیق این بود که آنها مسائل و نوسانات را به خوبی درک می‌کردند...

این دلیل که بچه‌ها را دوست دارم، حسن این رفیق این بود...

بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان ما بدون تجربه اند...

اما من قصد نداشتم از این جابه‌جایی زیاد استفاده کنم؟

منظور اصلی من اینها بود است.



این موضوع برمی‌گردد به شرایط مختلف، از جمله نحوه برخورداری نثریات سینمایی...

چرا بعضی از بازیگران کودک بعد از یک یا دو کار، دیگر نمی‌توانند آن بازی را ادامه...

چرا بعضی از بازیگران کودک بعد از یک یا دو کار، دیگر نمی‌توانند آن بازی را ادامه...

چرا بعضی از بازیگران کودک بعد از یک یا دو کار، دیگر نمی‌توانند آن بازی را ادامه...

چرا بعضی از بازیگران کودک بعد از یک یا دو کار، دیگر نمی‌توانند آن بازی را ادامه...

چرا بعضی از بازیگران کودک بعد از یک یا دو کار، دیگر نمی‌توانند آن بازی را ادامه...

چرا بعضی از بازیگران کودک بعد از یک یا دو کار، دیگر نمی‌توانند آن بازی را ادامه...

چرا بعضی از بازیگران کودک بعد از یک یا دو کار، دیگر نمی‌توانند آن بازی را ادامه...

مجتمع تبلیغاتی سوره - حوزه هنری - جامعه سالم، تبلیغات سالم - مشاوره، طراحی، اجرا، ارزیابی، تحقق اهداف - ما در تماس باشیم - تجربه، تعهد، تخصص - دستاوردی از هجده سال تلاش - همگام با ارزشها و آرمانهای نظام - در عرصه های فرهنگ و هنر - آدرس: باستان نجات الهی - کوی سلمان پاک - پلاک ۳۴ - تلفن ۸۸۱۰۷۰۸ - فاکس ۸۸۰۹۹۱۳

به قول جناب نیچه

■ مهدی یوسف‌نیا

اشاره: سمید یوسف‌نیا، شاعر است و قبل از اینکه بگویم شاعر خوب یا بدی است، باید عرض کنیم که تا دلتان بخواند، اهل نیهیلیسم بازی است. مثلاً عادت دارد ساعتها خودش حرف بزند یا در خیال یک بحث داغ نیهیلیستی، خودش را به شدت محکوم کند. مجموعه شعرهایش خواندنی است، اما گوش دادن به گفت و گوهای درونی اش، لطف دیگری دارد. اصلاً استراق سمع، بدچوری مزه می‌دهد!

گفتم: من اهل گله و شکایت نیستم. شاید یه وقتی داد و فریاد راه بندازم و عصبانی بشم، اما کمتر پیش اومده که کسی یا اخلاقی شکایت کنم. من فقط از خودم شکایت می‌کنم!

گفتم: چون منتهاست خودم، خودمی سرگردن کردم. یا بهتره بگم، خودم یا صدای بلند به خودم گفتیم: «آهای! سرگردون شدی! همیشه سرگردون بودی و خبر نداده‌ای. اون وقت بود که حالم از این همه تکرار به هم خورده، هشت صبح تا پنج پیدماژظهر، هشت تا پنج، هشت تا پنج، هر روز، هر روز، هر روز، هر روز...»

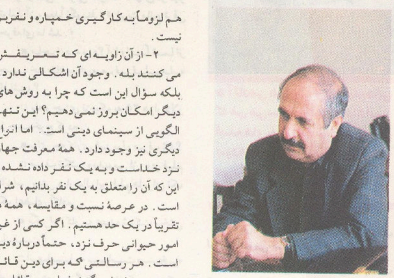
گفتم: خیلی سخت می‌گیری. زندگی رو نباید جدی گرفت. آدم که چند مباحث بیشتر ندانه نیست، پس این همه داد و قال واسه چی؟ یگانه نشدنی که: زندگی بر گردن افتادست باران چاره



جناب مار خلاصت کنه!
گفتم: به نگاهی به دور و برت بندهاز! تا دلت بخواد، نیهیلیست ریخته!
گفت: اگه خشمش دالم دنبال بدبختی آدمای دور و برت باشه، ریگه نمی‌تونی به بدبختی خودت فکر کنی. حالا فکر کردن به کدوم بهتره؟ بدبختی خودت یا بدبختی آدمای دیگه؟
گفت: هیچکدوم!
گفت: آفرین! حالا که اینو فهمیدی، پس دیگه نباید فکر کنی!
گفت: چه جوری می‌فکر فکر نکرد؟
گفت: اگه بهت بگم، میری در مورد حرفایی که زدم فکر می‌کنی. دوباره همون بخند!

دومین هم اندلیسی، دین از چشم سینما؟ از ۲۳ الی ۲۷ فروردین ماه در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شد. طی پنج روز سینما، هفته نامه مهر ویژه نامه با موضوع «سینمای دینی» منتشر کرد. در صفحاتی از این ویژه‌نامه‌ها از دست‌انگیزان سینمای ایران پرسیدیم:

۱- آیا سینمای دینی همان سینمای اسلامی است؟
۲- آیا هر فیلمی که مطلقاً ضوابط موجود ساخته شود، یک فیلم دینی است؟
۳- نمونه‌های موفق فیلم‌های دینی در سینمای ایران و جهان کدامند؟ پاسخ دوستان به این پرسشها را به تدریج در همین صفحه می‌خوانید.



از نظر تا عمل

■ ضرورت‌ها (منتقد و فیلمنامه‌نویس)

۱- خیر، سینمای دینی درجه شمول بیشتری دارد. سینمای دینی سینمای معنوی است. این سینما از کرامات انسان و فضیلت آدمی سخن می‌گوید. سینمای دینی درباره جهان غیرماده و مناسباتی غیر از مناسبات جنسی و حیوانی آدمی است. اگر بخواهیم برای کم کردن مشکلات اولویت بندی کنیم، موحد بودن بر دینداری تقدم دارد. در هنر دینی نیز هنر انسانی اهمیت بیشتری دارد. زمانی می توان مذهب بود که به فیض خداوندی، تقدیر و جهان اگر بخواهیم اعتقاد داشت باید به نیروی برتر مستند بود. بحث فراتر از دین، به بحث خداشناسی است.

بنابراین دو نوع سینمای دینی داریم. یکی با رفتارهای دینی و دیگری با اعتقاد دینی. دین از فیلس نامز، مسجد یا کلیسا وجود نداشته باشد، اما در زمره سینمای دینی قرار بگیرد. نباید به ظاهر خاصی کنیم، چنان که سینمای جنگی

به طور عام بیشتر فیلم‌ها دینی است. باید سعه صدر داشته باشیم. سوره‌ها اغلب در وصف کرامت انسانی است. خوب یا بد بودن و موفق شدن یا انتساب سوره‌ها فرق دارد. □



ضوابط ما کاملاً منطبق بر دینمان نیست

■ جمال شوچه (کارگردان)

غلط مصطلح

۱- سینمای دینی یک غلط مصطلح است. ولی سینما در تحت تفکر دینی هم ممکن است و هم معقول و این سینما خاص دین یک یا مذهب مشخص نیست، بلکه عمومیت دارد در ادیان مختلف و جهت آن وحدانی است و بنابراین مانند خود ادیان از یک حرف مشخص در اشکال مختلف صحبت می‌کند.

۲- حتماً. چرا که ضابطه موجود از دل ناپیدهای دینی استخراج شده و فداوی بوده علما در مورد آن‌ها مصداق ندارند، بلکه بیشتر میزبی بر عرف است و آن هم به همین دلیل بسیار متغیر و دچار نوسان است. ولی کلیات حدود و موازین جای بحث دیگری دارد.

۳- هنوز سینمای دینی حادث نشده و به همین دلیل به نظر بنده مصداقی هم ندارد. بلکه سینمای شاعرانه که مقدمه سینمای تحت تأثیر تفکر دینی است در غرب و ایران مصداقی دارد که در مقالات بنده از جمله سینمای شاعرانه آمده است.



پایان خنونت

کارگردان آلمانی، ویم ویندرس در حال حاضر، مشغول تهیه فیلمی تحت عنوان «پایان خنونت در شهر لس آنجلس» است. این فیلم، محصول مشترک آلمان و فرانسه هنرپیشه‌هایی از قبیل اندی مک داوول، بیل پولمن و گابریل بیرت بازی می‌کند، موضوع خنونت و پیامدهای اجتماعی آن از دیدگاههای مختلف بررسی شده است. همچنین سرگذشت قربانیان مسئله خنونت و بستگان درجه یک آنها در این فیلم طرح شده است. در این فیلم به سرنوشت یکی از کارگردانان آمریکایی تولیدکننده فیلمهای خنونت‌بار نیز اشاره شده است. این کارگردان آمریکایی که خود قیلاً مشوق و تولیدکننده فیلمهای خشن بوده، به «بترد» روایی شخصیت با این پدیده اجتماعی، از ادامه تولید این گونه فیلمها برای همیشه، صرف نظر می‌کند. داستان زندگی یکی از کارگردان آمریکایی به فیلم پایان خنونت اعتبار خاصی بخشیده است. □

معنای بیت مهم است!



بچه‌ها نشان می‌داد که از این حرف زیاد خوششان نیامد. انامه دام: «برای اینکه و قمان به هنر نرود، بهتر است سرعتر شروع کنیم.» بچه‌ها که دیدند، خیلی جدی هشتم، شروع کردند به غرولند. در این حین، یکی از بچه‌ها بلند شد و گفت: «به نظر شما، آیا وقت غلاته؟»

گفتم: ارزش وقت خیلی زیاد است و برای اینکه ببوده آن را از دست ندهیم، این ضرب‌المثل را آورده‌اند، در واقع، وقت همان عمر است و ارزش عمر، بیش از اینهاست.

دیگری گفت: وقت که همان عمر نیست. و وقت، دقیقه و ساعت است و عمر چندین سال است.

گفتم: دقیقه‌ها، ساعتها و روزها هستند که عمر را می‌سازند. مگر شاعر گفته: گوهر وقت بلبین خیرگی از دست مده آخر این در گرانمایه بهایی آن دیگری، دستش را بالا آورد و پرسید: «می‌بخشد، این شعر از کیست؟»

با اینکه می‌دانستم، اما سرچه به مغز فشار ردم، ناپیده‌ای نکرد. همه‌ای از کلاس بپنجد، پیشانی‌ام از عرق پوشیده شده بود. دبیر ادبیاتی که ندانم این بیت شعر از کیست؟

خلاصه، خودم را جمع و جور کردم و گفتم: «بچه‌ها، معنای این بیت مهم است. چه کسی می‌تواند آن را معنی کند؟» یکی از بچه‌ها بلند شد و پرسید: «در این بیت، پروین اعتراض می‌گوید که ... یک دفعه، کلاس متفجر شد. در حالی که از خندیدن بچه‌ها سخت عصبانی بودم، خشم خود را پشت

شمشاد پيشرو صنايع غذايي در ايران

توليدکننده و صادرکننده:
آبليموی طبيعي - رب گوجه نرنگي
- آيتوره - سرکه - توت فرنگي
- سير ترشي انواع ترشي جات و انواع
سایر محصولات غذایي

تهران، انتهای آفریقا، خیابان گلخانه، شماره ۸
تلفن: ۲۰۵۱۸۸۶ - ۲۰۵۱۶۲۵ - ۲۰۵۱۳۲۷ - ۲۰۵۱۹۸۰
فاکس: ۲۰۴۳۲۱۴

شرکت سهامی دشت مرغاب (سهامی عام)
DASHTE MORGHAB

دفتر مرکزی - تهران خیابان فلسطين - تلفن: ۶۳۳۶۶۶۱ - فاکس: ۶۳۱۰۳۳۱
کارخانه: کیلو متر ۱۲۵ جاده شیراز-اصفهان

رومئو و ژولیت



رومئو و ژولیت به کارگردانی یاز بایرومن/فیلمنامه نویسن: کرک پیروز و بازیاروممن/مدیر فیلمبرداری: نالدالمدک/گنشین: تلویزیون: قیبال/بیلگالاک/ موسیقی: لیل هوسپر/ بازیگران: لئونوراردو/دی کاپریو، کلریت، پسران هندی، پسر سورینو/ آمریکا-۱۹۹۶/ ۱۲۰ دقیقه

رومئو یکی از جوانان خاندان بوتاکویو و ژولیت دختر خاندان کاپولت است. دو خانواده ای که کینه ای دیرین از یکدیگر دارند، رومئو مخفیانه در بالسامسکه خانواده کاپولت شرکت می کند و در آنجا به ژولیت علاقمند می شود. اما اختلاف دیرین دو خانواده از وصال آنها جلوگیری می کند. آنان تصمیم می گیرند مخفیانه ازدواج کنند. روز پس از ازدواج رومئو ناخواسته درگیری دو گروه از جوانان دو خانواده شروع می کند و با گلوله ای قتیات کاپولت، پسرعموی شیرز ژولیت را می کشد. رومئو فرار می کند. از طرف دیگر ژولیت همراه با پدر لارنس کشیش کلیسای شهر نقشه ای می زند که طی آن ژولیت با دای خود فرار کند. کشیش مجبور است شایع شود او کشته شده است و بعد بتواند فرار ایال به رومئو پیوندد. اما متاسفانه رومئو قبل از آنکه نامه ژولیت را - که در آن موقوف نقشه اشان داده شده است - دریافت کند، خیر برگ او را می شنود. رومئو خودکشی می کند و ژولیت نیز پس از پیدا شدن با دیدن جسد رومئو، خودکشی می کند...

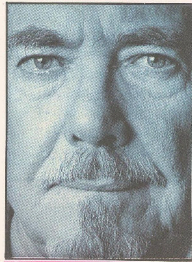
وقتی اباژون اعلام کرد که می خواهد رومئو و ژولیت را بازیازی کند، همگان گفتند: «آه، خدای من، بازم یک اقتباسی دیگر از شکسپیر، چیزی در ریفن سیاه شمشق های کسانلث بار کنت براتا و یا حداکثر چیزی در حد کارهای ژنرالی: فستیوال خیمهزار!» اما لورین همندان ایفدا شوک را وارد کرد: رومئو و ژولیت او در اواخر قرن بیستم اتفاق می افتد! جدا از این مسئله، فیلم ساختاروی جوروانه دارد. تداوین سریع و کشنده فیلم هیچ شباهتی به یک اقتباس مرسوم شکسپیری ندارد. موسیقی فیلم نیز به جای موسیقی های از کنترل معمول، یک موسیقی راک ملایم است. لورین متاسفانه گاه فیلم را تا حد بت ویلنولیکب MTV نیز از می دهد. اما درست در غیرمستظهرترین لحظات، حسی از شاعرانگی در فیلم می دمد. پیمانان تصویر لورین، هرچند شاید، به مذاق شیکانان اقتباسی های ادبی خوشایند نباشد، اما به مذاق ماشائگران عام خوش آمده است. و آنها را به دیدار این روایت قدیمی دلدادگی و تقدیر کشنده پیر ماژور متند جمله نهایت انباشته ای شکسپیری نمی دهند

و وفادار بودن یا عدم وفاداری به متن اصلی نمایشنامه های شکسپیری نمی دهند. و حتی یک رومئو امروزی، شیک پوش و هنر تپ به دست را به راحتی می پذیرد (مانظور که شکسپیر هم در نمایشنامه های خود به سنتی تاریخی آنها اهمیت نمی داد) البته در موفیت تجاری فیلم، نباید سهم ستارگان جوان آن را فراموش کرد: لئوناردو دی کاپریو و کلریت. پیر ماژور متند نهایت انباشته ای خودی اشاره کرده است که پس از اقتباس های کالیوکی و ارکوروومارا از شکسپیر - مثل سرخون - این فیلم، رادیکال ترین و جوروانه ترین اقتباسی است: که از یک نمایشنامه شکسپیری صورت گرفته است. به هر حال کسانلث که حوصله دیدن دیگر اقتباسی های سینمایی این نمایش مشهور شکسپیری را ندارند - از رومئو و ژولیت کلاسیک ساخته جورج کیوکر با بازی لیلی هوارد و نورماشیر گرته نارومئو و ژولیت موزیکال وارپت و ایزب (ریمت سایه استوری) و اقتباس رمانتیک و مشهور رانکو ژنرالی - می توانند ایدواراله به دیدار این رومئو و ژولیت مدون برنند!

ترجمه و تنظیم: مجرم آقام
به نقل از ماهنامه نهایت انباشته - آریل ۹۷

من از این مجسمه لعنتی متنفرم!

گفتگو با رابرت آنتمن، کارگردان کازناس سینتی



رابرت آنتمن، سال گذشته با ارائه فیلم کازناس سینتی، بار دیگر در کانون توجه رسانه های غربی جهان قرار گرفت. آنتمن که به هالیوود ستیزی شهره است، طبق معمول مودی بی لطفی آکادمی علوم و سینمای آمریکا (اسکار) قرار گرفت و فیلم ارزشمند وی کازناس سینتی با بی توجهی کامل ۵۲۰ عضو آکادمی مواجهه شد. آنچه می خوانید، ترجمه گفت و گوی کارآیین و یکی؛ با این سینماگر است:

دشمنی دیرینه اش با شما خاتمه بدهد.

□ من پیش از آنکه آکادمی و هالیوود را دشمن خود بدانم، خودم را دشمن آنها می دانم. بنابراین، بهتر است جلسه شان را تصحیح کنید.

□ اما پرخلاف این نقرت، شما از جایزه اسکار، بدتان نمی آید. درست است؟

□ شما چطور به این نتیجه گیری رسیده اید؟

□ در آمریکا همه این را می دانند که شما برای معرفی فیلم تازه تان کازناس سینتی به اعضای آکادمی، و رجب توجه آنها، همه کاری کردید و حتی از جیتاک هم مایه گذاشتید، آیا این به معنای آن نیست که اسکارها برای شما اهمیت دارند؟

□ ببینید. من این را چند بار دیگر هم گفتم. من مثل وودی آلن، معتقدم که اسکار مطلقاً جایزه بی ارزشی است و مراسم آن شب، مثل یک سیرک است و واقعاً شب کثافت انگیزی است. اما از دیدگاه دیگری دوست دارم که برویجه های که درگیر تولید این فیلم بوده اند و آن مجسمه لعنتی پرایشان اهمیت دارد، به کام

دلشان برسند. آدم خودمیشم. چون خودم از اسکار متنفرم. حوالی نبار شود مجسمه همکارانم را وادار سازم تا از این مجسمه متنفر باشند. من با چنین انگیزی مودی بی لطفی آکادمی علوم و سینمای آمریکا (اسکار) قرار گرفت و فیلم ارزشمند وی کازناس سینتی با بی توجهی کامل ۵۲۰ عضو آکادمی مواجهه شد. آنچه می خوانید، ترجمه گفت و گوی کارآیین و یکی؛ با این سینماگر است:

دشمنی دیرینه اش با شما خاتمه بدهد.

□ من پیش از آنکه آکادمی و هالیوود را دشمن خود بدانم، خودم را دشمن آنها می دانم. بنابراین، بهتر است جلسه شان را تصحیح کنید.

□ اما پرخلاف این نقرت، شما از جایزه اسکار، بدتان نمی آید. درست است؟

□ شما چطور به این نتیجه گیری رسیده اید؟

□ در آمریکا همه این را می دانند که شما برای معرفی فیلم تازه تان کازناس سینتی به اعضای آکادمی، و رجب توجه آنها، همه کاری کردید و حتی از جیتاک هم مایه گذاشتید، آیا این به معنای آن نیست که اسکارها برای شما اهمیت دارند؟

□ ببینید. من این را چند بار دیگر هم گفتم. من مثل وودی آلن، معتقدم که اسکار مطلقاً جایزه بی ارزشی است و مراسم آن شب، مثل یک سیرک است و واقعاً شب کثافت انگیزی است. اما از دیدگاه دیگری دوست دارم که برویجه های که درگیر تولید این فیلم بوده اند و آن مجسمه لعنتی پرایشان اهمیت دارد، به کام

در زمینه يك محیط روستایی

استرات بلر نام سریالی است که ماجرای آن در دهکده ای به همین نام در اسکاتلند میگذرد و به پختن آن از شیکه اول میجا به نام دهکده کوچک کرجمه دیگر است. دهکده کوچک کرجمه از نظر موضوع، سریالی بسیار مهمی است، و نظار نقاط قوتی نیز دارد که در کل آن را تبدیل به سریالی قابل توجه کرده است. از نقاط مثبت سریال مذکور، استفاده از نماهای بسته پیشتر و نماهای باز محدودتر، حرکات خوب و در عین حال، بسیار ساده دوربین، استفاده از ماجراهای فرعی غیر پیچیده برای جذاب تر کردن داستان اصلی و بالاخره، شخصیتهای داستانی خوب پرداخت شده می توان نام برد. بهترین نماها جلالت و نقطه قوت فیلم ها، شخصیتهای مختلف و مستند آنتنست که بار کلی سریال را بر دوش می کشد.

الک وجنی، زوج جوانی هستند که از شهر به مزرعه ای کوچکتر و متروکتر از دهکده ای کوچک نقل مکان کرده و زندگی جدیدی را جست وجو می کنند. آک که زندگی خود را با محیط تطبیق داده، هر شب با جنی که هنوز درگیر روحیات «شهری» است، درگیر است. آنچه مشکل جنی را تشدید می کند «ژن» بودن او است. وی به حیوانات در محیون روستاییان و دامپروران به عنوان عوامل اصلی در رسیدن به مقصد نهایی شان (زندگی کردن) با من، مورد تفرق آنها قرار بگیرد.

یادداشتی بر سریال دهکده کوچک

دیدی زتانه - شهری می نگردد. احساس می کنند که الگ نه تنها با وی برخورد سرد دارد، بلکه او را الگ نمی کند. اما این رابطه، همچون دیگر روابط موجود در فیلم، رفته رفته و به طور غیرمعمولی رو به بهبودی است. نکته قابل تامل و اساسی این است که در مورد سریالها و فیلمهای خارجی و این گونه روابط، به دلیل محدودیتهای اخلاقی که در پختن آنها وجود دارد، هرگز نمی توان به طور قطع نظر داد.

زوج دیگر مطرح در فیلم، فیسی و برادر ایتالیایی وی است که در ایستا رابطه ای تسمبانی بر سرتر داشته، اما با بلوغ ذهنی مادر، مشکلات پیچیده برای آنها نیز پیش می آید. برادر فیسی که قسمتهای ابتدایی تقریباً ایسته، احساساتی و احساساً درگیر یک عشق یکطرفه و بی فرجام است. به مرور زمان، تصمیم به مستقل شدن گرفته و هدف مندی اوست که براندا به مذاق خواهر، خوش نیامده و جدیدی را جست وجو می کنند. آک که زندگی خود را با محیط تطبیق داده، هر شب با جنی که هنوز درگیر روحیات «شهری» است، درگیر است. آنچه مشکل جنی را تشدید می کند «ژن» بودن او است. وی به حیوانات در محیون روستاییان و دامپروران به عنوان عوامل اصلی در رسیدن به مقصد نهایی شان (زندگی کردن) با من، مورد تفرق آنها قرار بگیرد.

سریال دهکده کوچک ممکن است نمونه ای عالی از یک مجموعه تلویزیونی باشد، اما می تواند برای سازندگان سریال سازی کشورمان که هنوز در مراحل اولیه هستند، به عنوان الگویی مناسب عمل کند.

مدیریت عروس را بر پسر خود کشف کرده و گویی یا اصنام خود، علاوه بر استفاده هلیایی که از فلوروا می کند، ناخواسته، این قدرت و برتری را در زندگی مشترک آنها دامن می زند. اندرو، وارث یک خانواده ثروتمند ملاک و فرزند پداری قدرتمند و همسر زنی قوی، مدیر و مدیر به خاطر صدمات روحی زانم جنگ، و پایه علت علاقه اش به پرفراشی و عتیقه ها



اصحاب کف در حوزه هنری ساخته شد

فیلم ویدئویی اصحاب کف در «گروه هنرهای هنری ساخته شد» تصویر، حوزه هنری ساخته شده است. این فیلم چهل دقیقه ای با کارگردانی اسدالله ایمن، نخستین فیلم از سری قصص قرآن کریم است که به صورت کروماکی ساخته شده است. گفتنی است «گروه هنرهای هنری» حوزه هنری در نظر دارد با توجه به ادامه تولیدات کلان خود با سیستم قرآن را در سیزده قسمت که مراحل بازیابی فیلمنامه آن در دست انجام است، تولید کند.

سریال دهکده کوچک ممکن است نمونه ای عالی از یک مجموعه تلویزیونی باشد، اما می تواند برای سازندگان سریال سازی کشورمان که هنوز در مراحل اولیه هستند، به عنوان الگویی مناسب عمل کند.



شرکت کارخانجات صنعتی ملایر

(سهامی عام)
تحت پوشش بانک صنعت و معدن

MALAYER INDUSTRIAL FACTORIES
AFFILIATED TO BANK OF INDUSTRY AND MINE

عقاب فولادی، در انواع ساختهای مختلف از قطر ۱۶ تا ۲۲ میلیمتر، موارد مصرف: حفاری، تارابی، آسانسور وغیره • **استرن دیش تئیدتون** در قطرهای ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶ و ۱۸ • **سپاهی** به قطر ۷۵ الی ۷ میلیمتر، موارد مصرف: ساختن سازه های قفسه ای • **توری حصار** بر کربن • **مطابهای بار روکن دار**، به ارتفاع ۲ الی ۳ متر و در چشمه های ۵۵ سانتیمتر، موارد مصرف: نواحی صنعتی و کشاورزی، کارخانه ها، فرودگاهها، جاده ها، ریلها، راه آهن ها، بنادر، پارکها و زمینهای ورزشی باغها وغیره • **مطابهای محسوف** تولیدی از نوع بی پرولین به قطر ۵ الی ۳۶ میلیمتر، موارد مصرف: کشتیرانی، کشتی سازی، مهار کردن نفتکشهای بزرگ ماهیگیری وغیره • **نهای کاروازی** در انواع مختلف نخهای علامتی و دوگرم، موارد مصرف: بسته بندی، **شایان دگر است** که تولیدات این شرکت، طبق استانداردهای بین المللی است.

دفتر مرکزی: خیابان مفتح شمالی، شماره ۲۶۶، طبقه دوم، تلفن: ۸۳۶۴۲۶ - ۷۱ - ۸۸۳۱۹۶
کارخانه: ملایر کیلومتر ۲ راه آده اگ، تلفن: ۲۳۴۷۱۰ - (۰۸۱) - فاکس: ۲۳۴۷۵۰ (۰۸۱)
Central Office: No. 366 2nd fl. North Mofatteh Ave. Tehran-Iran
PRODUCTION:

من نگرانم



پایان مراحل نتهاترین سردار

سریال تلویزیونی نتهاترین سردار که در باره وقایع دوران زندگی حضرت امام حسن مجتبی (ع) ساخته شده آخرین مراحل فنی خود را پشت سر می گذارد و احتمالاً در نیمه دوم سال جاری آماده بخش از شبکه اول سیما جمهوری اسلامی خواهد بود. کارگردان این سریال مهدی فخیم زاده است. در خیرها آمده مجموعه های تلویزیونی دیگری نیز پیرامون زندگی ائمه اطهار در دست تهیه است.

آغاز تولید سریال تلویزیونی بچه های بهشت

داستان زندگی شهید حسین فهییده موضوع سریال بچه های بهشت است که ساخت آن به زودی در گروه سیما شاهد آغاز می شود. به گزارش روابط عمومی صدا و سیما گروه سیما شاهد در ادامه فعالیتها خود و پس از بخش سریال سیدرخ، داستان زندگی شهید حسین فهییده را به نویسندگی حسین قاسمی جامی و عباس فهیمی نادی در دست تهیه دارد. سریال بچه های بهشت به کارگردانی حسین قاسمی جامی و مدیریت تولید سیروس آزاد یگانه، در مدت ۱۴ ماه فیلم برداری و در ۱۴ قسمت ۵۰ دقیقه ای تدوین می شود.

چهره نه چهره، جمعه ها از شبکه دو سیما

چهره به چهره عنوان برنامه جدیدی است از گروه اجتماعی شبکه دو سیما که پیش از آن آخرین جمعه فردین ماه از این شبکه آغاز می شود. این برنامه های تازه به نقد و بررسی برنامه های تلویزیونی یروزه برنامه های شبکه دو سیما می پردازد و شامل بخشهایی چون گزارش، نمایش طنز و دعوت از شخصیتهای فرهنگی است.

گفت و گو یا جهان بخش سلطانی

فیلاً سیمنا را از بیرون، جور دیگری می دیدم، حالا جور دیگری است. البته حالا نژاس می کنم کمتر تحت تأثیر شرایط قرار بگیرم. بعد از فیلمهای جنگی بچه های ملای، مهره بر می، قصه های جدید و حله خرنجنگها را بازی کرده ام. البته، این دو گانه

نگاه می کنیم و می بینیم که تلویزیون از همه ظرف می زند، جز از فرهنگ و هنر. به نظرم، اگر این ادامه پیدا کند و مردم ساده لوح شوند، جیران ما فات دشوار است

کار کردن برلم سخت بوده است. ببینید ما وضع دشواری داریم. نه حکام به شرایط هستیم و نه تصمیم گیریم، برای ما، بسیار دشوار است که بتوانیم درست پیش برویم. من هم دوست دارم، مردم ما من به این شرایط ارتباط برقرار کنند که ماندگار باشد و با زمان هم به پیش برود. من نمی خوام فسیل و فراموش بشوم. در هنرمندی دوست دارم مطرح و جایگاهی داشته باشم و به عنوان هنرمند درونی اش برسد.

شما دائماً در حال سفر برای بازیگری هستید. این امر شما را از ایت می کند؟

□ یک قسم مضایف به من است، ولی افسوس که چاره ای ندارم. با وجود اینکه مردم فکر می کنند من به عنوان بازیگر کم کم، به همان بازیگری که روی پرده می بینم، هستم، ولی هنوز امتکان اجازه نمی دهم. من وقت دارم در تهران ندارم که بتوانم با تمام وجود در جریان سینمایی کشور حضور پیدا کنم. می دانش، من به تهران بودن، یعنی پاسخ دادن به خواسته های فرهنگی و هنری. می داند که در تهران بودن، یعنی داشتن حضور دائمی - همه اینها را می داند. یا وجود همه اینها، یا نگرانی در اسفهان زندگی می کند و نمی داند که فردا چه می شود؟ آیا فردا من هستم یا نیستم؟

آلان، تجاری شدن سینمای ایران صدمه دارد بر وضع بازیگران گلرشته، بعضها بسیار مطرح تر شده اند، و بعضی جایگاهشان تنگ تر شده است.

□ بازم به شرایط بستگی دارد. من می داند که دوست عزیزم، آقای جمشید آریا، بین مردم محبوب القلوب است و مردم دوستش دارند. او هم اشکش درآمده، که با وجود اینکه مطرح ترین و پردرآمدترین بازیگر سینمای ایران هستم، هرگز در جشنواره ها به

من می داند که دوست عزیز ما آقای جمشید آریا بین مردم محبوب القلوب است و مردم دوستش دارند. او هم اشکش درآمده، که با وجود این که مطرح ترین و پردرآمدترین بازیگر سینمای ایران هستم، هرگز در جشنواره ها به حضور ندارم.

این آدم، من او را از ماست بیرون می کشد تا جلوی می دانهها را بگیرد؛ بی عدالتی در هر زمینه ای. آقای سلطانی، شما به عنوان یک تک خشن یا یک «بزم» سینمایی، شناخته شده هستید، چرا؟ □ به نظرم، این موارد ارتباط مستقیم به شرایط سینمایی، فرهنگی و هنری دارد. اولین بار، وقتی برای بازی در فیلم ۳۵ م. رسون افق مایلی بود به دنبال من بود، من قبلاً جای ارزشها کجاست. به نظرم، من فیلم پیش روی من باز کرد که با افق بازی در فیلمهای جنگی بود. خودم تصمیم نگرفتم. آئند و برای بازی بردند. حالا هم خودم تصمیم نمی گیرم. می آیند و مرا می برند.

نسبت به وضعیت بازیگری در کشور ما می کنید؟ آیا اینکه پرسشنامه ها و راننده کاپیونها، دارند جای آندهای فرهنگی را در هرصه بازیگری سینما می گیرند، نگران کننده نیست؟

□ چه اشکالی دارد که راننده کاپیونها به سینما بیایند؟ □ نظر شما، اشکالی ندارد؟ □ نه، اگر راننده کاپیونی بازیگر خوبی بشود، هر اشکالی دارد؟

شما در این زمینه چه نظری دارید؟

□ پس تجربه، چه می شود؟ □ دانش، چه می شود؟ □ با توجه به شرایط هنر در گرو ماست، دانش، ارتباطات و مرادفات درست سالم است. نمی شود اینها را ناپه گرفت.

□ اما بازیگرانی هستند که بدون هیچ تجربه، کارشان از همان جوانی، خوب می آید؟ □ کما حد کلیدر؟ □ نظرتان را چه به تلویزیون، چیست؟ □ تلویزیون به دلیل سطح ارتباطش با مردم، رسانه بسیار مهمی است. از تلویزیون می شود، و بعد به عرصه تکرار می افتد و روزمره می شوند. وقتی من با پورا احمد کار می کنم، کارم با دیگران به کلی فرق می کند. اگر با بیضایی ارتباط برقرار کنم، قطعاً پویایی بیشتری خواهد داشت. چرا؟

□ چون چهل سال تجربه دارم. به نظر من، تنها استعداد مهم نیست، این استعداد باید به دست کار گرفته شود. می دانش، یعنی شنا آقی مطلقاً پورا را نگاه کنید. خودش می گوید: من هنوز دارم مطالعه می کنم. □ چه عناصری در توفیق بازیگر مهم است؟ □ تجربه، دانش، تلاش، تجربه را

□ تمام علی (ق)، قابل تحسین است. به نظرم، قدر و قواره میراثی از این هم بزرگتر است و فکر می کنم، کار اصلی از این هم بزرگتر و بهتر بوده. اما نمی داند چرا از آن خانه سر خوش نمی آیند، با وجود اینکه خرسر و شکیبایی از بازیگری راحت و پرتوان می داند. رانستن، یعنی چرا شکیبایی در این سریال بازی کرده. این حرفها را و می زبیم، آن وقت می گویند شما بخیل آید و دوست ندارید، مردم بخندند و شاد باشند.

آیا در حال حاضر، کمدهی خوبی در کشور داریم؟

□ بله، در همین اسفهان خودمان، اگر آقای ایزدی تکرار مکرر نکنند و کلیشه ای نشود، قابل تحسین است. ببینید آنکا! سی و پنج سال پیش، در همدن در اسفهان پیتوایان و آنللو و بازرگ (گروگلو) و تخت جمشید در آتش از کار کرد. ولی چرا آنکا بعد از این مدت، تئاتر اسفهان عقب رفته است؟ ببینید آنکا! اگر من ناایم، مقصر شرایط من است. آقا، من نگرانم. من می گویم در هنر باید ایام، اشاره، تخیل و لایه های زیرین باشد. من می گویم، نباید عقول پیچیده ای است. شما حالا خوبترین سریال را می بینید سریال خانه سبز ما دیده شد. شما با گویید، سریال خانه سبز چه چیزی برای گفتن دارد. آیا در این عصر ارتباطات که وقت مردم را می گیرد، نباید چیز به آنها بگوییم. به نظرم، هر چه در یادها، روزمره و شاد است هیچ زحمتی برای ارزشهای هنری مردم هایش نمی کشد، همین! □ کدام بازیگر را دوست داشتید؟

یک ادیسه ده ساله درباره چگونگی ساخته شدن درخشش (SHINE) برنده اسکار بهترین بازیگر مرد

درخشش یکی بزرگ کارگردانان سینمای شگفت انگیز استرالیا، با بحث انگیزترین فیلم ده سال جاری است. ریچارد هاس و مرارت های بیانیستی نابغه که به شکلی غیرمترقب به رستگاری او ختم می شود.

ماجراجوی ساخت فیلم به ۱۹۸۶ برمی گردد. زمانی که یک کارگردان ده چندان سرشناس استرالیایی، به نام اسکات هیکس، پس از حضور در یک سیپال پانوی و وقتی فیلم پورا احمد می بیند، به فکر فرو می ریزد و همین کافی است.

از همان زمان فکر ساخت یک فیلم بر مبنای داستان زندگی هگلگات کتر جکس را مشغول می سازد. سرگشتگی زندگی هگلگات واقعاً شوکه می شود. هولد ۱۶۷۷ در استرالیا، در ایته چیزی جز یک کوکد خوش قریحه اما باحركات غیرعادی و گویشی نامفهوم (نمره که بیماری نادر عصبی)، اما سسپ والدینش، در او استعداد خارق العاده موسیقی را کشف می کنند. برای تحصیل موسیقی به کالج سلطنتی لندن می رود، اما به یک بار، بر اثر تشدید بیماری عصبی اش از پای درمی آید. زندگی او می رفت تا فریک بیارستان بیماریهای روانی به آخر خط برسد. اما ناگهان اثر اتفاقی همچون معجزه، دوستان او را پیدا می کنند و حالیکه همچنان گفتگوشان بی رویی شایع می شود، اعجاز می آفرینند. او به صحنه موسیقی بازمی گردد...

هیکس برای تبدیل سرگشتگی هگلگات به تصاویر سلولوپیدی به هر دری می زند. ابتدا با فیلمنامه نویسی به نام جان ساردی، بر روی فیلمنامه فیلم کار کرده و پس از آماده شدن آن، توستانت نظر چند تهیه کننده را به بین پرزوه ساند. اما هیکس آنجا همه وجود آمده که تهیه کننده ها به او گفتند: «فیلمتان، ات حرف ندارد، اما آخر کسی در این کره خاکی هست که بتواند نقش این دیوانه را به بازی کند؟»

حاصل شگرف بود این فیلم کم خرج در عرض ۵ ماه، سراسر اروپا و آمریکا را دورزدید و ۲۲/۵ میلیون دلار سود خالص نصیب سازندگانش کرد.

حاصل شگرف بود این فیلم کم خرج در عرض ۵ ماه، سراسر اروپا و آمریکا را دورزدید و ۲۲/۵ میلیون دلار سود خالص نصیب سازندگانش کرد.

تئاتر شهر سیدنی، به نام فخری راش را پیدا

یک ادیسه ده ساله درباره چگونگی ساخته شدن درخشش (SHINE) برنده اسکار بهترین بازیگر مرد

درخشش یکی بزرگ کارگردانان سینمای شگفت انگیز استرالیا، با بحث انگیزترین فیلم ده سال جاری است. ریچارد هاس و مرارت های بیانیستی نابغه که به شکلی غیرمترقب به رستگاری او ختم می شود.

ماجراجوی ساخت فیلم به ۱۹۸۶ برمی گردد. زمانی که یک کارگردان ده چندان سرشناس استرالیایی، به نام اسکات هیکس، پس از حضور در یک سیپال پانوی و وقتی فیلم پورا احمد می بیند، به فکر فرو می ریزد و همین کافی است.

از همان زمان فکر ساخت یک فیلم بر مبنای داستان زندگی هگلگات کتر جکس را مشغول می سازد. سرگشتگی زندگی هگلگات واقعاً شوکه می شود. هولد ۱۶۷۷ در استرالیا، در ایته چیزی جز یک کوکد خوش قریحه اما باحركات غیرعادی و گویشی نامفهوم (نمره که بیماری نادر عصبی)، اما سسپ والدینش، در او استعداد خارق العاده موسیقی را کشف می کنند. برای تحصیل موسیقی به کالج سلطنتی لندن می رود، اما به یک بار، بر اثر تشدید بیماری عصبی اش از پای درمی آید. زندگی او می رفت تا فریک بیارستان بیماریهای روانی به آخر خط برسد. اما ناگهان اثر اتفاقی همچون معجزه، دوستان او را پیدا می کنند و حالیکه همچنان گفتگوشان بی رویی شایع می شود، اعجاز می آفرینند. او به صحنه موسیقی بازمی گردد...

هیکس برای تبدیل سرگشتگی هگلگات به تصاویر سلولوپیدی به هر دری می زند. ابتدا با فیلمنامه نویسی به نام جان ساردی، بر روی فیلمنامه فیلم کار کرده و پس از آماده شدن آن، توستانت نظر چند تهیه کننده را به بین پرزوه ساند. اما هیکس آنجا همه وجود آمده که تهیه کننده ها به او گفتند: «فیلمتان، ات حرف ندارد، اما آخر کسی در این کره خاکی هست که بتواند نقش این دیوانه را به بازی کند؟»

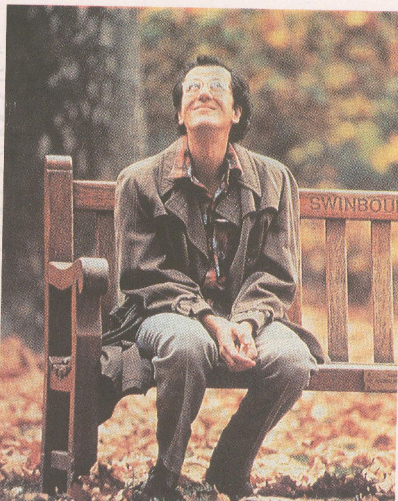
حاصل شگرف بود این فیلم کم خرج در عرض ۵ ماه، سراسر اروپا و آمریکا را دورزدید و ۲۲/۵ میلیون دلار سود خالص نصیب سازندگانش کرد.

حاصل شگرف بود این فیلم کم خرج در عرض ۵ ماه، سراسر اروپا و آمریکا را دورزدید و ۲۲/۵ میلیون دلار سود خالص نصیب سازندگانش کرد.

تئاتر شهر سیدنی، به نام فخری راش را پیدا

تایتانیک جیمز کامرون به آب می زند!

جیمز کامرون، کارگردان سرشناس آمریکایی که به ساختن فیلم های پر هزینه مشهور است، طی سال گذشته، درگیر تولید یک محصول عظیم مایلویدی موسوم به تایتانیک بود. این فیلم که به تازگی آماده نمایش شده، مجموعاً ۲۱۶ میلیون دلار هزینه برداشته و قرار است نزدیک به چهل میلیون دلار نیز صرف تبلیغات آن شود. تایتانیک، حساسیت غرق کشتنی



همچنین جایزه کره طلایی و نامزدی اسکار را برای جیکس به ارمغان آورد و راش، این فیلم را به عنوان بهترین بازیگر گتنام نشان، از نگاه بر قله دنیای سینما ایستاد: جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد. به این ها اضافه کنید فروش سرسام آور نوار موسیقی فیلم و همچنین کمرست موفقیت بار دیوید هگلگات در آمریکا، که تمام بلیت هایش از ماهها قبل به فروش رفته بودند.

حالا به نظر می رسد، هالیوود دروازه هایش را به روی هیکس، این کارگردان ۳۳ ساله استرالیایی گشوده است، (فکر که اسپیلبرگ یعنی دریم ورکس با یک قرارداد فوق العاده به سراغ او رفته است) اما به نظر می رسد هیکس نمی خواهد از استرالیا دل دور کند: «روشه های من در استرالیا هستند، استرالیا جای است که من می توانم فیلم های دلخواهم را فارغ از دخده های سینمای تجاری بسازم. حتی اگر برای فیلم بعدی ام باز هم لازم باشد ده سال صبر کنم.» □



این قایتوس میخوام «تایتانیک» طی اولین سفر دریایی خود در سال ۱۹۱۲ از انگلستان به آمریکا است؛ حادثه ای که طی آن ۱۵۰۰ مسافر کشتی، با حریق خود را از دست دادند.

جادوگران شهر «سیلم»

۱۹۵۳، آنور میلر درباره جادوگران شهر «سیلم» نمایشنامه ای می نویسد که نمایشی است از مک کارتیسم. موضوع نمایشنامه این قرار است: دختری جوان به نام ای گیل (یونوانرادر، نقشش را در فیلم بازی می کند) برای خارج نشدن همسر متشوقش از صحنه (چون آن در نقش همسر و دانیل دی لوپیس در نقش متشوق تمام دهکده ای را دچار جنون و وحشت کند. سه سال بعد، کان بل سترز، فیلسوف نمایشنامه نویس فرانسوی، اقتباسی از این نمایشنامه به عمل می آورد و ریچوند رولو (Raymond Rouleau) از آن فیلمی با شرکت سیمون سینویور، ایو موتکان و میلن دو مونتریو می سازد. آنور میلر، نویسنده نمایشنامه، درباره این اقتباس در خاطراتش می نویسد که نمایشنامه سلازتر به نظرش «نوعی تفسیر مارکسیستی داستان بود که باعث شد تلایح می مناعی از آن گرفته شود. سترز از بحران جادوگری، نوعی مبارزه طبقاتی بین دهقانان ثروتمند و فقیر به وجود آورد، در حالی که پروکرتور (Proctor) و همانندانش، هرچه بودند، فقیر نبودند.» میلر با این همه ادعاها داشت که فیلم عظیم، صادق موجه است.

حال فیلم دیگری از این نمایشنامه به کارگردانی نیکولاس هینتر (Nicholas Hytner) ساخته شده است. کارگردان فیلم که از ستاره به سینما آمده، از خود میلر خواسته تا نمایشنامه اش را بنویسد و میلر هم در نمایشنامه خود آگاهانه تا نمایشنامه اولیه، فاصله گرفته است. فیلم، علی رغم کار خوب کارگردان و بازیهای عالی هزینه ها، در آمریکا توفیق نداشته و این جای تأسف است؛ چون موضوع فیلم، هنوز موضوع روز است. □



عصر پنجم، فیلم افتتاحیه «دکن» پنجاهم

فيلم عصر پنجم، ساخته اولک بون، فیلمساز جوان فرانسوی، به عنوان فیلم افتتاحیه پنجاهمین جشنواره بین المللی فیلم کن* در شب نخست این جشنواره به نمایش درآمد. عصر پنجم که با یک بودجه نود میلیون دلاری ساخته شده، در قرن نوزدهم فیلم در ژانر سینمای اروپا لقب گرفته است. بروس و پلپس و گری الفمن، بازیگران فیلم جدید بون هستند.

زنده باد «علمی تخیلی»!

کره سرخ در ادبیات تخیلی، همیشه جای ویژه ای داشته است. در ۱۹۹۸، آج جی، ولز و لجنک دنیاها» را منتشر می کند که در آن اهالی کره سرخ به انگلستان حمله می کنند. بریخی ها در این اثر، مردم چندان باثباتی نیستند؛ مرده های خود را دفن نمی کنند و مجرماً از راه رفتن می زنند. گسترش پلوشوم و سینما، باعث می شود تا این مضمون به آن سوی اقیانوس کشیده شود. در ۱۹۷۵، سسیبل، ب. دومیل به این موضوع می پردازد و اینتینشن، کارگردان معروف روسی، کار ناتمامی بر اساس آن انجام می دهد. اورسن ولز نیز نمایشنامه ای را در همین دوره این ژانر تنظیم می کند که بسیار موفق است و وحشت عظیمی می آفریند. در ۱۹۵۳ با فیلم «رون هاسکین» (Byron Haskin) بریخی های سبز رنگ که دستهای شیبه قورباغه داشتند، حجم ژوئینگ را یافتند. از این به بعد در سینما، آمریکا هرگز چنان استرالیایی که آمریکا به آن می کشد و با حشمت آن می شود. ادنی هیدل کره را که علیه سرخها بود، تجربه می کند و با حشمت آن می شود. ادنی هیدل وست، آمریکا با هراس به آسمان نگاه می کندند و منتظر دیدن هواپیماهای بیرون رفتن خود می باشند. «این انگلیسی ها هستند که باعث می شوند تا مردم آمریکا این قدر شفاف بوده باشند. ببینید، آنها ژانیه سربازان آمریکا می کشند.» و بعد افزوده بود: «ای شاید یک نفر روسی دارد تمرین پرتاب دیسک می کند و از تیروی خود می اطلاع می.» مردم - همچنین سازمان سیا - این گفته را تمثیلی خطرناک تلقی کردند.

توجه و تنظیم: رحیم آزاد

به نقل از نشریه اینترتیمت

حالی بار دیگر، کارگردانی دیگر به نام تیم برتون (tim Burton) به این اسطوره پرباخته است. اسطوره ای با نام مرخ حمله می کند! با استفاده از سوپر لیزرها و طنز انتی □

توجه و تنظیم: یزین اشتری



روایاتی دو ایقودت

شرکت سینمایی معروف «والث دینسی» به خاطر تهیه فیلمی درباره زندگیام رهبر مذهبی (تیت) آقای دالایلا، خشم چینیها را برانگیخت.

کارگردان فیلم مذکور، مارتین اسکوزسبی است و در حال حاضر، مشغول تهیه قسمتهای از فیلم مزبور در خاک مراکش است. دولت چین ضمن اعتراض به تهیه فیلم آن را دخالت آشکار در امور داخلی چین خوانده است. کشور چین از سال ۱۹۵۱ تاکنون، سرزمین تبت را به اشغال خود درآورده است. سخنگوی دولت چین، رسماً به شرکت «والث دینسی» در باره عواقب نامعلوم تهیه فیلم مزبور، هشدار داده است و از تهیه کنندگان فیلم دعوت به عمل آورده است که عواقب کاری را که در صدد انجام آن هستند، به وقت سبک و سنگین کنند. سخنگوی «والث دینسی» در واکنش به هشدارهای چین، گفته است که «والث دینسی» همچنان به قرارداد تهیه فیلم تا مرحله نهای آن پای بند خواهد بود.

چینواره فیلم برلین سال ۹۷

هریته آلمانی، کیم نوک، به عنوان میهمان افتخاری در جشنواره سینمایی بین المللی برلین شرکت خواهد کرد. این جشنواره بین المللی در تاریخ ۱۳ تا ۲۴ فوریه سال نو در شهر برلین برگزار خواهد شد. در این جشنواره، سیزده فیلم از مجموعه فیلمهای کیم نوک به نمایش گذاشته خواهد شد. شهرت کیم نوک در سالهای پنجاه هزمن با بازی در فیلم مردی با بازوان ملایم آغاز گردید. اما بازی وی در فیلم سرگیجه در سال ۱۹۵۸ به کارگردانی آلفرد هیچکاک، به شهرت جهانی وی افزود.

قلم اندازی درباره سینمای وطنی

پوششهای غیر شداد
پنشن اول

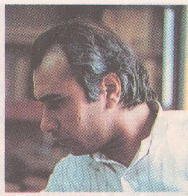
در عرصه عقب ماندگی و فقدان توسعه سیاسی و فرهنگی، اصولاً نه نیازی به سینما احساس می شود و نه لزوم شناختن حقیقت سینما مطرح است. در جهان سوم نه تنها در نسبت با سینما، که در نسبت با تمام وجود تفکر و هنر، فریستگی و بازاندگی است که تکلیف مین می کند و سرمشق می دهد.

از همین رو، همشما فرسوده و فرساییده اند و بهترین و عالیترین وجه اراده مطوف به هنر، اراده به نسبت انگاری و پاسی است و بهترین هنرمندان، گروهی به شمار می آیند که دعوت به کشت پایداری (افشمال) را مهمترین آرمان خود می شنوند. در جهان سوم و ویژه در کشورهایی که همچنان در ساخت فرهنگ شنیداری به سر می برند، هنرمند نه به اندازه وسع و اراده و امکانات خود، بلکه به اندازه توقع اصل سیاست و در محدوده اوامش و نواهی سیاست زنگان به هنر روی می آورد، زیرا در مقطر شنیداری گریبان سیاست زده، هنر، رخنه ای در حصار اقتدار و هنر هنرمندی، دشمنی بالقوه است، مگر آنجا که هنر تا سرحد تبلیغات و هنرمند تا سرحد کارگرز اول سیاست، متزلزل شده باشد و سینما نیز جز در حدود این تزک و نثانی، ظهور و بروز ندارد.

اقتدار در فرهنگهای شنیداری گریبان، اقتدار در حدود مال و جاه است، نه اقتدار ساخت سلطوت و سیطره. از این رو، میان هنر و بنا به اقتضای ذات خود رو به جلو

در جهان سوم نه تنها در نسبت با سینما، که در نسبت با تمام وجود تفکر و هنر، فریستگی و بازاندگی است که تکلیف مین می کند و سرمشق می دهد.

دارد و به پیش می رود، با اقتدار شنیدار گریک بنا به طبیعت خود از اینکه هر اسان است. پیش گذاشته بنامی رود و مدام در صدد بازگشت به عقب و حفظ وضع موجود است. خصومت و دشمنی ناگزیر است. اقتدار شنیداری جز برای هنرهای شنیداری که در شرایط کنونی قادر هر گونه نمایی و تخریک، اعتباری قائل نیست و از میان هنرهای شنیداری نیز به هنرهای شنیداری سنتی بها می دهد، که یا دکوریتیند یا بیرون از دایره تأویلات شنیداری، هیچ نسبتی با مخاطب - این هم مخاطب خاص - برقرار نمی کنند. هر جا که اقتدار شنیداری ایستادار غلبه تام و نفهم و فرهنگ و هنر است، خط و تندی و شمعیر، تالیفاتی و کاشیکاری و سمرق و سینماور... الخ، در برابر ادبیات، تئاتر و سینما و هنرهای تجسمی حیات می شوند. موسیقی شوم شده می شود و جز در برابر موسیقی شنیداری و فرایگر مدرن، از موسیقی سنتی، آن هم در حدودی محدود، استقبال نمی شود و... الخ در سببیه اقتدار شنیداری گریست که هنر هنرها، هنر غالب، هنر سمرق و سیطره، هنر شنیداری کششمندی، اختار و ذلیلی است؛ زیرا سیداردان اقتدار شنیداری گری به واسطه بی واسطه دریافته اند که هر قدر سینمای یک سرزمین، مطلوب و محدود و بی مغلوب باشد، دیگر هنرهای زنده و موثر، و مفاد محدود و بی مقدار خواهند بود و هر قدر که



اندی بی بصیرت فرام کتیم و درامیون خود بگوریم تا ببینیم که در مدت صد سال اخیر، هر آنچه مشغول به ظاهر بوده تمام وجود و ساحت زندگی و فرهنگ و تمدن و هنر و تنبوی که امکان احیای هیچ وجهی از وجود ظاهری تمدن گذشته ما وجود ندارد. اگر از به خطر افتادن باطن می ترسیم، نخست باید برای خود معلوم کنیم که این باطن چیست و چه نسبتی با ظاهر دارد. آیا مخلوق به حدود پیشش ما و اقلیم ماست یا در تمام عالم، جبری و مساری است؟ من بر آنم که ترسندگان و ترسانندگان، از به خطر افتادن مال و جود خود می ترسند و هرگز جاهل باطن

نیو اند و اصولاً باطنی که آنها می شناسند، محدود به حدود دل و دماغ خشک و مختصر آقیاست. این باطن محدود، سادهاست که به خطر افتاده و جز در طلق نهمان روشی و شنیداری ویژه قوه ابرائی، به زست نبائی خود نمی تواند ادامه بدهد. ولی در حصار شنیداری گریخته رخنه افتاده است و دیری نخواهد پایید که سینما و توابع آن، نهمان روشی را نیز به چربزه و تهور بدل خواهند کرد. ما قرفها در لاک خود خزیده بویسم و نمی خواستیم، گامی فرایش بگذاریم و از خوف اینکه میادا به چربزه و تهور متهم شویم، قدم از قدم برنمی داشتیم. روزی نیز ترجیح می دهیم در سکون خود باقی بمانیم، اما تمدن غرب و بویژه رسانه های شنیداری، ما را به زور و ضرب دنگت، کشان کشان با خود به پیش می برند و رغامرغم خواست و غورقیما، ما را در تاریخ جدید شرکت می دهند:

ما سینما و آزادی آن هراس داشته باشیم،

ما سینما و آزادی آن هراس داشته باشیم،

سینما آموگار تفکر بشر امروز است و همچنان که بارها گفته ام، این پدیده بر تمام وجود فرهنگ غلبه تام و تمام پیدا کرده و نشر و گسترش تکنولوژی و تمدن جدید را عهده دار شده است.

موجب نخواهد شد که سینمای جهان آزاد، دست از سر ما بردارد و لسل اینکه ما را به حال خود بگذارد. به عبارت دیگر، هر اندازه که ما خود را از سینمای آزادی آن محروم کنیم، به سمت مصرف هرچه بیشتر محصولات سینمای جهان آزاد کشیده می شویم و بر سر ما همان خواهد آمد که از آن می ترسیم.

به راستی که می ترسیم؟ از دگرگون شدن ظاهر یا از به خطر افتادن باطن؟ اگر از دگرگون شدن ظاهر می ترسیم، بهتر است

بهریم، اما در فقدان کامل فکر و ذکر، نمی توانیم به این معنا ببینیم که بریدن جهان به قواره خود، مستلزم شرکت در بازار سود و زیان عالم است و شرکت در این بازار جز با قبول قواعد بازی تمدن جدید میسر نیست. ما نه تنها در ساحت سینما و دیگر رسانه ها و هنرهای شنیداری، که در ساحت تفکر به اخلاق (یعنی تنها سرمایه ای که برپایمان باقی مانده است) نیز می خواهیم هم منزعبانیم و هم در عالم و آتم تصرف کنیم

کشور ما از جمله کشورهای است که سینمای فراگیر نداشته است و ندارد و احتمالاً هرگز نخواهد داشت.

چنین چیزی محال است. در تمدن فراگیر امروز که تمام فرهنگهای کهن را مخلوب کرده و به رنگ خود درآورده است، به قدم تنزیه نمی توان راهی برد یا کاری از پیش برد، بویژه در ساحت سینما که تنزه شکار است و در همه چیز و همه کس تصرف می کند.

سینمای کنونی ما، سینمایی است بی افق، محدود و منقطع که در اوج خود با قصد شرکت در جشنواره های خارجی صورت می بندد، یا از پیش با افتاده ترین مسائل عاطفی و روززده، برای توده های بی شکل فرودست سرگرمی و رویا فراهم می کند، و البانی هرچه هست، تهوع و تقلیل مهوع، خام دستی و نایشگری است. سینمای کنونی ما در بی افقی خود، برپلا کشنده می افتقی ما و محدود بودن خود، نشان دهنده محدود بودن پیش و منش ماست. انتقالی که در سینمای ما موجب می زند، نشان دهنده انتقال و پلاکسی خود، ما از آینده بینماکیم و به گذشته پناه می بریم، اما از طرح گذشته خود نیز در سینما هراس داریم، زیرا گمان می بریم که طرح سهندگی گذشته ما بویژه کششمندی تاریخ باستان، به برهم زدن وضع موجود کرده ام که جشنواره های اروپایی، گاهی به خشن ترین فیلمهای ما جایزهای بدهند. سینمای کنونی ما نه ملی است، نه بین المللی و نه حتی پریمیتم؛ گبران موقت در پرتو حفظ وضع موجود است.

کشور ما از جمله کشورهای است که سینمای فراگیر نداشته است و ندارد و احتمالاً هرگز نخواهد داشت. زیرا فرام آوردن مقدمات چنین سینمایی سالها سال به جان آزمون آزادی و تفکر، تکنولوژی و توسعه لازم دارد و دست آخر، نیازمند سلطنتی سیاسی است که صورت بستن آن در این سرزمین از محالات است و مگر حضور مبارک بی دراید... و گر نه در حدود نود سال از این سرزمین در این سرزمین می گذرد و اگر قرار بود که با اهتمامات نیم بند و سیاستگذارهای کجدار و مریز و سیاست زگی متداول، سینمای ما فراگیر شود، تا به امروز شده بود. حال آنکه هنوز در خم کوزه اول نسبت با سینما به سر می بریم و نمی دانیم که تکلیف ما با سینما چیست. از طرف دیگر، ترس و هراس شایع و دابر از سینما که گویانگبر حافظان وضع موجود است، مانعی جدی بر سر راه مشخص شدن نسبت ما و سینماست. البته علیر این جامعیت از هر حیث موجه است.

کشور ما از جمله کشورهای است که سینمای فراگیر نداشته است و ندارد و احتمالاً هرگز نخواهد داشت.

کشور ما از جمله کشورهای است که سینمای فراگیر نداشته است و ندارد و احتمالاً هرگز نخواهد داشت.

کشور ما از جمله کشورهای است که سینمای فراگیر نداشته است و ندارد و احتمالاً هرگز نخواهد داشت.

UNOMAT VIDEO - TURNING CONVERTER FOR CAMCORDERS AND VIDEO CAMERAS.

تیران صندوق پستی ۷۷۴-۱۳۱۴۵
نمایندگی انحصاری رسمی یونومات
شرکت تهران دیدگاه (سویر کانت)

۶۴۴۲۳۲۲
۶۴۹۵۱۱۵
۶۴۹۵۱۱۲

UNOMAT INTERNATIONAL

"Two in one" - attachments

گنورتور لنز یونومات برای دوربینهای فیلم برداری